

چکیده مقالات

## کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر

۳ و ۴ دیماه ۱۳۹۱

تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بامشارکت



انجمن علمی فلسفه دین ایران

## فهرست

- ۱..... فلسفه دین در بستر اسلامی.....  
حمیدرضا آیت اللهی
- ۲..... بررسی تطبیقی رویکرد روان شناختی در اثبات وجود خدا از طریق شرطیه پاسکال.....  
حبیب اله ابراهیمی
- ۳..... لوازم دلالت شناختی نظریه پلورالیستی جان هیک.....  
مهدی اخوان
- ۴..... بررسی مسئله شر از دیدگاه استاد مطهری.....  
حمیدرضا اسکندر دامنه
- ۵..... مبانی معرفت شناختی سویین برن در برهان تجربه دینی.....  
محمدجواد اصغری
- ۶..... تاملی بر رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه دین.....  
بهمن اکبری، زهرا اکبری
- گامی در تفسیر غیر کبیر کجوری از داستان ابراهیم(ع): جستاری در سپهر عقلایی- اخلاقی
- ۷..... «ایمان» و «خدا»ی ابراهیمی.....  
مسعود امید
- ۹..... آموزه دینی و غلبه بر اضطراب.....  
پریسا امیری فرد
- ۱۱..... نقش گناه ازلی در تحقق شرور در عهد عتیق و مقایسه آن با قرآن.....  
محمدحسین ایراندوست
- ۱۳..... ناکامی تیغ اُکام در ابطال برهان معجزه.....  
محمدحسین ایراندوست
- ۱۵..... تأثیر ویتگنشتاین بر الهیات.....  
رسول برجیسیان

- ۱۷..... نقش تمهیدی هنر در موجه کردن باورهای دینی .....  
 مهدی بهرامی
- ۱۸..... پرسشی در باره مفهوم عقلانیت باورهای دینی .....  
 قاسم پورحسن
- ۲۰..... تکثرگرایی دینی در پرتو توحید قرآنی.....  
 پدram پورمهران
- ۲۲..... تبیین برهان وجودی نزد فیلسوفان دین معاصر.....  
 مرتضی پویان
- ۲۴..... رابطه عقل و دین در حکمت متعالیه.....  
 علی پیری
- ۲۶..... تجربه دینی و نقش آن در اثبات وجود خداوند.....  
 خدیجه تبریزی
- دین و روان‌شناسی از منظری وجودگرایانه: تدوین مؤلفه‌های روان‌درمانگری وجودی
- ۲۸..... مبتنی بر فرهنگ دینی.....  
 فاطمه تقی یاره، غلامرضا اعوانی
- ۳۰..... مفهوم خدا در فلسفه دین هگل.....  
 زهره جمشیدی‌کیا
- ۳۲..... شرور در باور مردم و بازتاب آن در ادبیات فارسی.....  
 صغری جلیلی جشن آبادی، ایوب علیزاده
- ۳۳..... رابطه عقل و ایمان.....  
 زهرا حدادزاده نیری، بهجت واحدی
- ۳۵..... جایگزینی تکنولوژی به جای دین؛ رهاورد رویکرد فلسفی انسان عصر جدید.....  
 سید حسین حسینی
- مروری تطبیقی بر مهمترین دیدگاه‌های مدافعان و مخالفان نظریه طراحی هوشمند در
- ۳۷..... اثبات خدا.....  
 سید حسن حسینی

- تبيين، تحليل و نقد شرور ادراكي از منظر ملاصدرای شیرازی..... ۳۹  
غلامحسین خدری، محمد خیاط زنجانی
- عقلانیت باور یا التزام؟..... ۴۱  
زهرا خزاعی
- زبان دین اسلام..... ۴۲  
عبدالحسین خسروپناه
- تجربه شونیا تا (تهیگی) در بودیسم: نقضی بر نظریه ساختگرایی کتز در تجربه عرفانی  
ندا خوشقانی
- نقد نظریه نورمن مالکولم در توجیه باورهای دینی..... ۴۵  
مزدک رجبی
- تقارب ممکن ملاحظاتی بر نسبت علم و دین مطالعه موردی: نجوم عرفانی در آثار ابن عربی.... ۴۷  
داریوش رسولی
- روایت هستی در تراژدیهای یونانی و ادیان ابراهیمی..... ۴۹  
محمدعلی روزبهانی
- برهان کیهان شناسی کلامی از منظر حکمت متعالیه..... ۵۱  
روزبه زارع
- مقایسه پلورالیسم انفصالی و ارتباطی دو دیدگاه ویتگنشتاینی و گادامری..... ۵۳  
جهانگیر مسعودی، زهرا زهانی زهان
- وجه شناخت شناسانه‌ی پیروزی ایمان دینی بر عقل ایمان گریز در جدال روشن اندیشی با دین.... ۵۵  
میثم سفیدخوش
- پیوند اخلاق مدنی، عقل محوری و دین بر پایه اندیشه برگسون..... ۵۷  
مهدی سلطانی گازار
- نقد درون متنی کتاب دو سرچشمه اخلاق و دین..... ۵۹  
اصغر سلیمی نوه
- نسبت امر قدسی، هنر و تکنولوژی در شعر هولدرلین، با توجه به تفسیر هیدگر از آن..... ۶۰  
علیرضا سیفی، محمد علی رجبی، زهرا صراف

- ۶۲..... فلسفهٔ دین از منظر الهیات پویشی .....  
رستم شامحمدی
- ۶۴..... تجربهٔ عرفانی و تلقی عدمی از مفهوم خیر و شر .....  
محسن شعبانی
- ۶۶..... تنفس با هوای مغالطه؟ نگاهی به مبانی و معضلات الحاد جدید.....  
علی شهیازی
- ۶۹..... آیا می‌توان در هرمنوتیک فلسفی مبنایی معرفت‌شناختی برای پلورالیسم یافت؟.....  
امیرصادقی
- ۷۱..... عقلانیت ایمان.....  
هادی صادقی
- ۷۳..... برهان تنظیم دقیق و «خدای خالها» بررسی یکی از اشکالات بر برهان تنظیم دقیق.....  
یحیی صباغچی
- ۷۵..... پدیدارشناسی زیست‌هنری به مثابه دین‌ورزی.....  
مهدی صدقی
- ۷۷..... نسبت میان غایتمندی و معنای زندگی در فلسفه ابن سینا.....  
فائزه عابدکوهی
- ۷۸..... بررسی نظریه طراحی هوشمند و چالش‌های آن با نظریه تکامل.....  
هاله عبداللهی‌راد
- ۸۰..... بررسی و تحلیل برهان تجربه دینی از دیدگاه فردریک شلایرماخر.....  
ولی اله خوش طینت، اکرم عسگرزاده مزرعه، محمد غفاری
- ۸۲..... معاد جسمانی و نظریهٔ بازسازی بدن.....  
هدایت علوی‌تبار
- ۸۳..... مسئلهٔ شرور بی‌وجه.....  
امیرعباس علی‌زمانی
- ۸۵..... تئودیهسه پرورش روح جان‌هیک و نقد دی. زد. فیلیپس بر آن.....  
امیرعباس علیزمانی، اکرم خلیلی

- ۸۷..... رویکردی تطبیقی در بررسی جایگاه و منزلت عقل در باورهای دینی .....  
 جواد غفاری
- ۸۹..... وحی و تجربه‌ی دینی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و سروش .....  
 محمد حسین فصیحی
- ۹۱..... استعاره‌های مفهومی و اوصاف الهی .....  
 علیرضا قائمی‌نیا
- ۹۲..... امکان گفتگوی اسلام با مسیحیت از دیدگاه هانری کربن .....  
 اعظم قاسمی
- ۹۴..... بررسی مفهوم حاشیه‌ی بشری در نظریه‌ی وحدت متعالی ادیان .....  
 اکبر قربانی
- ۹۶..... تحلیل ویژگی‌های عقلانی برهان جهان‌شناختی .....  
 قدرت الله قربانی
- ۹۸..... عقلانیت ایمان دینی .....  
 حسن قنبری
- ۱۰۰..... دیدگاه توماس آکوئینی درباره‌ی سخن گفتن از خدا .....  
 مستانه کاکایی
- ۱۰۱..... مسئله‌ی شر و چشم‌اندازهای خیر در قرآن .....  
 احمد کریمی
- ۱۰۳..... بررسی تطبیقی زیباشناسی دینی از دیدگاه منابع اسلامی .....  
 ابراهیم لرکی، میثم محمدزاده
- ۱۰۵..... برهان نظم از دیدگاه ریچارد سوئین برن .....  
 حسین لنجانی
- ۱۰۶..... پلورالیسم دینی (نقد و بررسی) .....  
 محمد محمدرضایی
- ۱۰۷..... هایدگر و تجربه دینی .....  
 مژگان محمدزاده

- ۱۰۹.....نسبتهای صورت و مادهی دین و اثر هنری از نگاه شوان  
سید رحمان مرتضوی
- ۱۱۰.....براهین اخلاقی اثبات وجود خدا  
علیرضا مصدقی حقیقی
- ۱۱۱.....گفتگوی ادیان ابراهیمی با ادیان شرقی. بحثی میان فرهنگی  
علی اصغر مصلح
- ۱۱۳.....بازخوانی مساله شر از دیدگاه لایب نیتس  
امراه معین
- ۱۱۴.....نوآوری فارابی در باب رابطه دین و فلسفه: نظریه سلسله مراتبی زبان دین  
نواب مقربی
- ۱۱۶.....تأثرناپذیری خدا و مسئلهی شر، سازگاری یا ناسازگاری؟  
میثم مولایی، ام البنین طاعتی
- ۱۱۸.....نقش عقل عملی کانت در تبیین آموزه‌های خدا و دین  
هنریر مه‌ری
- ۱۲۰.....نسبت معرفت دینی و اخلاق  
حسن میان‌داری
- ۱۲۱.....چگونگی شکل‌گیری اسطوره شر لویاتان با تکیه بر نقد اسطوره شناختی راجر فرای  
بهمن نامور مطلق
- ۱۲۳.....بررسی تطبیقی برهان صدیقین سینوی و برهان امکان و وجوب تومیستی  
سعیده نبوی
- ۱۲۵.....مساله‌ی شر در اندیشه‌ی لایب نیتس و استاد مطهری  
ابوذر نوروزی
- ۱۲۶.....عوامل و روند شکل‌گیری فرضیه‌ی کثرت‌گرایی دینی جان هیک  
ابوذر نوروزی
- ۱۲۸.....استدلالات وجودی خدا از دیدگاه کانت به عنوان یک فیلسوف غربی  
مریم وحیدزاده

- عقل و ایمان از منظر خواجه نصیر الدین طوسی مسلمان و سنت آگوستین مسیحی ..... ۱۳۰  
زهرآ سادات هاشمی
- جایگاه مفهوم خدا در الهیات اخلاقی کانت ..... ۱۳۱  
حسین هوشنگی
- چالش پوزیتیویسم منطقی در مورد معناداری گزاره‌های دینی ..... ۱۳۳  
عباس یزدانی



## فلسفه دین در بستر اسلامی

حمیدرضا آیت‌اللهی

فلسفه دین نظامی است که در فضایی غربی منشا یافت و در آن فضا نیز بارور گردید. نظام مشابه در بستر اسلامی کلام و کلام جدید بوده است. جهان مدرن با مسائل جدید فلسفی و دینی مواجه گردید که می‌بایست از منظری فلسفی ارزیابی می‌گردید. به این دلیل بود که فلسفه دین فعالیت جدی خویش را آغاز نمود. اما این بررسی‌های مساله محور متاثر از شرایط بوده است. یکی از این شرایط موقعیتهای زمانی بوده است ولی پیش فرضهای دینی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. پیش فرض مسیحی فلسفه دین غربی برخی مسائل را مهم تر از برخی دیگر نموده است و بعضی راه‌ها را پیش کشیده است که می‌تواند با شرایط دیگر متفاوت باشد. در این مقاله در نظر است برخی تفاوت‌های رویکرد مسیحی به فلسفه دین با رویکرد اسلامی نشان داده شود. این تفاوتها هم از ناحیه مسائل و هم از ناحیه راه‌ها نشات می‌گیرد.

امید است مشارکتی سازنده بین فیلسوفان دین غربی که در بستری مسیحی می‌اندیشند با فیلسوفان دین مسلمان که از منظری اسلامی تحقیق می‌کنند ایجاد گردد. آرزو داریم که این مشارکتها به فلسفه دینی گسترده‌تر بیانجامد که از مزایای این دو بستر اندیشه‌ای بهره‌مند باشد.

## "بررسی تطبیقی رویکرد روان شناختی در اثبات وجود خدا از طریق شرطیه پاسکال"

حبیب اله ابراهیمی

### چکیده:

در الهیات اسلامی و مسیحی براهین و دلایل بسیاری برای اثبات وجود خداوند مطرح شده است. این دلایل، برخی برگرفته از تعالیم دینی و برخی حاصل اندیشه‌ی متفکران دین مدار است. بی‌شک، بررسی تطبیقی این دلایل و براهین می‌تواند ما را به ظرفیت‌ها و نگرش‌های بایسته در الهیات اسلامی بیشتر آشنا کند. در این نوشتار، دو رویکرد در بحث اثبات خداوند با هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ یکی شرطیه‌ی پاسکال یا شرط‌بندی پاسکال که در غرب مطرح شده و دیگری نگرش روان شناختی به خداوند یا استدلال به وجود خدا از راه کارکرد ذهن و نفس انسان در موضوع امید و امیدواری به زندگی، که در الهیات اسلامی بدان پرداخته شده است. در این مقاله، پس از ارائه‌ی تحلیلی کوتاه از هر کدام و طرح برخی نقدهای وارد شده بر شرطیه‌ی پاسکال، قوت و برتری نگرش روان شناختی به خداوند، به عنوان رهاورد این نوشتار، مطرح گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** ۱- الهیات اسلامی ۲- الهیات مسیحی ۳- رویکرد روان شناختی به خداوند  
۴- شرطیه‌ی پاسکال

دانشجوی فلسفه‌ی دین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

## لوازم دلالت‌شناختی نظریه پلورالیستی جان هیک

مهدی اخوان

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده:

جان هیک فیلسوف دین فقید قرن بیستم (که این ایام به نخستین سالمرگ او نزدیک می‌شویم) به نظریه‌پردازی در باب مسئله تنوع و کثرت دینی شهره آفاق است. او با اتخاذ مبادی و مبانی گوناگون معرفت‌شناختی فلسفی سعی در طرح فرضیه‌ای/تبیینی دارد که به زعم او بهترین توضیح را در باب این تکثر در جهان واقعی را ارائه دهد. هیک هر چند به لحاظ هستی‌شناختی وجود مستقل از ذهن و زبان واقعیت‌غایی حق را می‌پذیرد (البته در قالب رئالیسم انتقادی) اما در راه ناهموار و دشواری که طی می‌کند در نهایت مبنایی را به عنوان نقطه اتکاء تبیین خود برمی‌گزیند که با توجه به پذیرش نظریه توصیفی (فرگه - راسلی) ارجاع (دلالت) (reference) توسط او به گونه‌ای ناواقع‌گرایی هستی‌شناختی می‌انجامد. در این مقاله بر آن هستم تا لوازم و پیش‌فرضهای مصرح و غیرمصرح هیک در باب ارجاع و دلالت را کاویده و از امکان التزام به این لوازم برطبق دیدگاههایی که خود هیک اتخاذ کرده، سؤال کنم.

**کلیدواژه:** هیک، دلالت‌شناسی و نظریه ارجاع، کثرت‌گرایی دینی، معرفت‌شناسی کانتی

## بررسی مسئله شر از دیدگاه استاد مطهری

حمیدرضا اسکندر دامنه

### چکیده:

مسئله شر یکی از مشکل ترین مسائل پیش روی اندیشه دینی است: این مسئله اشاره می کند که با وجود خداوند که عالم مطلق، قادر مطلق، و خیریت محض است، وجود شر در عالم چه تبیینی دارد؟ به راستی چرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق، و خیر محض روا می دارد که آدمیان تا این اندازه متحمل رنج گردند؟ مسئله شر در حال حاضر بزرگترین دلیلی است که ملحدان برای انکار وجود خداوند به آن استناد می کنند. و این مسئله را خدشه ای بر عدل الهی می دانند. مقاله حاضر در پی آن است تا طبق دیدگاه استاد مطهری به مسئله شر پردازد. این متفکر براساس، تفکیک ناپذیری خیر و شر، نظام احسن الهی و فواید شرور به این مهم می پردازند.

**کلمات کلیدی:** شر، مطهری، عدل الهی، قدرت مطلق، خداوند

## «مبانی معرفت شناختی سویین برن در برهان تجربه دینی»

محمدجواد اصغری

### چکیده:

یکی از مباحث مهم تجربه دینی، موضوع واقع‌نمایی و ارزش معرفتی آن است. سویین برن - فیلسوف دین خدا باور - از کسانی است که در آثار مهم خود از جمله کتاب ارزشمند «وجود خدا» ضمن تبیین برهان تجربه دینی و دفاع از این برهان، برای اثبات واقع‌نمایی تجربه دینی و ارزش معرفتی آن، اصولی را تحت عنوان «اصل آسان‌باوری» و «اصل گواهی» مطرح کرده است و آنها را «اصول عام عقلانیت» می‌داند که هم در تجارب دینی و هم در تجارب حسی قابل اعمال است. این پژوهش در نظر دارد اصول مزبور را تبیین و در حد توان مورد ارزیابی قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** تجربه دینی، اصل آسان باوری، اصل گواهی، سویین برن، مبانی معرفت‌شناختی

## تاملی بر رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه دین

بهمن اکبری

رئیس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و

علوم انسانی و عضو شورای علمی مرکز گفتگوی ادیان

زهرا اکبری

کارشناس ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا(س)

### چکیده

از زمانی که اهمیت روش شناسی در قلمرو علوم طبیعی و به تبع آن علوم انسانی شناخته شد، دغدغه روش شناختی در حیطه الاهیات نیز آشکار شد. تبیین روش شناختی در مطالعات دینی نقش عمده ای در فهم آرا و مبانی اندیشمندان و فیلسوفان دین دارد؛ زیرا این نظریه ها بر اساس اصول و مبانی ویژه شکل می گیرند. برخی مبانی، مبانی هستی شناختی است. برخی مبانی انسان شناختی و برخی مبانی معرفت شناختی. این چارچوب ها مبنای خاصی را برای تولید نظریه ایجاد می کنند. به دیگر بیان؛ روش های پژوهش های دینی در تدوین منطقی مفاهیم دینی و دفاع خردورزانه از آنها، نقشی اساسی برعهده دارند.

این مقاله در تلاش است تا نخست، پس از توضیح مفاهیم اصلی مقاله، ضرورت پرداختن به روش های پژوهش در فلسفه دین را مطرح نماید و دیگر اینکه توضیح دهد از چه مدخل و مجرای به تبیین روش های پژوهش در فلسفه دین می توان روی آورد و سرانجام، اشارتی به رویکردهای مورد بحث داشته و در ضمن آن، به اعتبار آنها یا میزان استفاده از آنها در پژوهش های فلسفه دین خواهد پرداخت.

## گامی در تفسیر غیر کیرکگوری از داستان ابراهیم (ع): جستاری در سپهر عقلایی - اخلاقی «ایمان» و «خدا»ی ابراهیمی

مسعود امید

استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

### چکیده

این مقاله در صدد تلاش برای گذر از تفسیر کیرکگوری از داستان ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) است. در این راستا مسأله اصلی نوشتار این است که رابطه ایمان و خدای ابراهیمی، با اخلاق چیست؟ در این سوال، اصل وجود یا عدم رابطه و نیز نوع رابطه، مورد پرسش قرار گرفته است. شیوه پاسخ به این پرسش از طریق تمرکز بر داستان ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع)، در قرآن بوده است. پاسخ به این سوال بر اساس تدقیقی فراتر از خوانش عادی و مرسوم داستان، و نیز ورای تفسیر کیرکگوری، بوده است. در این تفسیر به جای محوریت ابراهیم به محوریت خدا و نقش آن اندیشیده شده است. داستان بروفق نقش و نگارگری خداوند پیش رفته است. و از همین طریق است که به نتایجی ویژه، و بعضاً غیر کیرکگوری، یعنی از این قبیل می‌رسد: نخست، میان ایمان و اخلاق رابطه وجود دارد، دوم، این رابطه بسیار عمیق و وثیق است به گونه‌ای که اخلاق را (علاوه بر دیگر مؤلفه‌ها) جزو مقوم ایمان ابراهیمی قرار می‌دهد، سوم، ایمان ابراهیمی، خواه مبتنی بروحی باشد یا غیر روحی (الهام، شهود، اجتهاد و...)، در تجسم عینی خود، نمی‌تواند و نباید در تعارض با اخلاق قرار گیرد. چهارم، ایمان

ابراهیمی دارای تفاوت بنیادین با ایمان علمی و ایدئولوژیک است، پنجم، ایمان ابراهیمی در عین اشتراک کلی با ایمان فلسفی، دارای تفاوت معنی‌داری با آن است، ششم، خدای ابراهیمی، همچون ایمان ابراهیمی، اخلاقی است، هفتم، جنبه اخلاقی، عنصری اساسی در توصیف خدای ابراهیمی است. هشتم، سزاوار است که از کلام اخلاقی (توحید، نبوت، معاد و امامت اخلاقی) و فقه اخلاقی سخن به میان آید. نهم،.... تمام این نکات، می‌توانند امکان سخن گفتن از سپهر عقلایی - اخلاقی ایمان را فراهم آورند. نتیجه آنکه ایمان ابراهیمی آمادگی پذیرش سپهر عقلایی - اخلاقی را دارد.

**کلید واژه‌ها:** داستان ابراهیم، تفسیر کیرکگوری، تفسیر غیرکیرکگوری، سپهر اخلاقی ایمان و خدای ابراهیمی



## آموزه دینی و غلبه بر اضطراب

پریسا امیری فرد

دانشگاه تهران

Amirifard.parisa@gmail.com

### چکیده

به نظر می‌رسد عدم تناسب میان تغییرات و تحولات سریع تکنولوژیک با ظرفیت‌های اخلاقی سیاسی و معنوی انسان مدرن، موجب نوعی اضطراب است؛ اضطرابی که ناظر بر پرسش از معنای زندگی است. دغدغه‌ی این نوشتار بررسی امکانات غلبه بر جهان تکنولوژیک به‌ویژه از طریق ارائه‌ی یک بدیل دینی است. به عبارتی، سیطره عقلانیت ابزاری، جنون انضباط بخش آن، اسارت و دربند شدن بشر و رنج ناشی از آن در کنار مدل‌های ساده و تک خطی دین، جامعه و سیاست که آهنگ یکنواخت و مستمر غیردینی شدن را فرض می‌گیرند، مفهوم‌رهایی بخشی دین را به محاق فراموشی سپرده است. ویژگی که همواره انسان را از تعیین ناپذیری جهان در تجربه بشری آگاه می‌کند. در رهایی بخشی از دین انتظار می‌رود، بر بی بند و باری تکنولوژی لگام زند و نظم تکنیکی جدید، محیط تازه، اخلاقیات جدید، شرایط تازه زندگی روزمره را در قالب یک تمدن به همراه خطرهایش نشان دهد. ایفای این نقش، با پاسخ به این پرسش صورت می‌گیرد که آیا آنچه اکنون بر بشر سیطره دارد، خداوند ایجاد کرده است؟ پاسخ به این سوال می‌تواند آزمودن کدامیک از گمانه‌های ذیل باشد: عرفان،

انتظار برای نزول شهر جدید غیرتکنولوژیک از آسمان، وحدت تکنولوژی با زندگی  
دینی، آزمودن این فرضیات متن اصلی این نوشتار خواهد بود.

## نقش گناه ازلی در تحقق شرور در عهد عتیق و مقایسه آن با قرآن

محمدحسین ایراندوست

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

moho\_irandoost@yahoo.com

### چکیده:

همواره مساله شر، ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. و خدا باوران هم کوشیده‌اند تا اعتقاد راستین آنها به خدای علیم و حکیم با تحقق شرور به شکاکیت تبدیل نشود. در این میان، عهد عتیق برای حل مشکل شرور، نه وجود و واقعیت شررها را انکار کرده، و نه به وادی «ثنویت» لغزیده است. در عهد عتیق مهمترین سبب تحقق شرور در عالم، گناه ازلی (Original sin) است. گناهی که منجر به هبوط آدم و رانده شدن او از بهشت شد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود به طوریکه تمام فرزندان آدم را متمایل به شرور و دارای طبیعتی گمراه و فاسد می‌کند. نظریه «گناه ازلی» برای اولین بار در انتهای قرن دوم توسط «Irenaeus» اسقف لیون در مقابل تفکر «گنستیسیسم» و مذهب گنوسی مطرح شده است. و سپس توسط آموزه‌های پولس رسول بسط داده شده است. او در نامه به رومیان، نقشه نجات خدا را ریخته و بیش از سایر نامه‌های خود از کتاب عهد عتیق نقل قول کرده است نکته مهم این نامه، نظریه گناه ازلی، است. آنگاه کسانی چون ترتولیانوس، کوپریانوس، آمبروسیوس هم مطرح کرده‌اند. این مقاله درصدد است تا به این سئوالات پاسخ دهد: «گناه ازلی»

در عهد عتیق، چیست؟ و نقش آن در تحقق شرور چگونه توجیه شده است؟ قرآن  
کریم چه نقشی برای گناه آدم در تحقق شرور قائل است؟

واژگان کلیدی: گناه ازلی، شرور، عهد عتیق

## ناکامی تیغ اُکام در ابطال برهان معجزه

محمدحسین ایراندوست

استادیار دانشگاه آزاداسلامی، واحد قم

moho\_irandoost@yahoo.com

### چکیده:

متکلمان مسیحی از معجزه به عنوان راهی برای اثبات وجود خداوند بهره می‌گیرند. آگوستین قدیس، یکی از آباء پیشین کلیسا، دلالت معجزات بر خداوند متعال را می‌پذیرد، اگرچه ارزش معرفتی معجزات و حدوث جهان را در دلالت بر وجود خدا یکسان می‌انگارد. برخی متکلمین مسیحی ارزش معرفتی معجزات را بالاتر می‌دانند و معتقدند که تنها اگر معجزه به معنای مداخله خدا در مسیر طبیعی حوادث باشد، به‌طور منطقی مستلزم وجود خداست. مداخله، به‌طور منطقی مستلزم وجود خدایی است که بتواند در مسیر طبیعی حوادث مداخله کند. یک نمونه از برهان معجزه، ادعای مسیحیان است که مدعی هستند شواهد تاریخی ثابت کرده که عیسی (ع) مردگان را زنده می‌کرد. و این معجزه فقط با اثبات وجود خدا قابل توضیح است. این مداخله در طبیعت مستلزم وجود خداست. یکی از راههای مخالفت با برهان معجزه برای اثبات وجود خدا در غرب، استفاده از «تیغ اُکام» است. تیغ اوکام (Occam's Razor) منسوب به ویلیام اوکام، منطق‌دان و فیلسوف انگلیسی است. صورت نخستین تیغ اکام چنین است که «میان دو نظریه که توان توصیف و پیش‌بینی

یکسان دارند، ساده‌ترین را برگزین.» از این اصل در فلسفه دین و خصوصا در جهت نفی وجود خدا استفاده شده است. این مقاله در صدد است تا برای این پرسشها پاسخ یابد: تقریر صحیح برهان معجزه در بین متکلمین مسیحی چیست؟ «تیغ اُکام» تا چه اندازه در ابطال این برهان موفق بوده است؟

واژگان کلیدی: تیغ اُکام، برهان معجزه، متکلمین مسیحی

## تأثیر ویتگنشتاین بر الهیات

رسول برجیسیان

استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس اصفهان (شهید باهنر)

rs1berjisian@gmail.com

### چکیده:

موضوع این مقاله تأثیر فلسفه‌ی ویتگنشتاین بر الهیات مسیحی است. پس از مقدماتی در باره‌ی تأثیر فلسفه بر الهیات، ابتدا زندگی‌نامه عقلانی ویتگنشتاین و اهمیت وی در فلسفه معاصر بررسی شده است.

ارتباط فلسفه متقدم و متأخر ویتگنشتاین مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از تحقیق درخصوص این ارتباط هم برای تأکید بر نشان دادن انسجام فکری وی بوده و هم به دلیل آنکه این ارتباط یکی از موضوعات اساسی را برای بحث درخصوص تأثیر ویتگنشتاین بر الهیات مسیحی فراهم می‌کند.

در ادامه، ابتدا به تأثیر تفکر متقدم ویتگنشتاین بر الهیات پرداخته شده است و سپس با توجه به تأثیر فیلسوفان بر الهیات که به دو قسمت بالقوه و بالفعل تقسیم می‌شود، تأثیر فلسفه‌ی متأخر ویتگنشتاین بر الهیات مسیحی مورد بحث قرار گرفته است. در تأثیر بالقوه ویتگنشتاین بر الهیات مسیحی ابعاد تأثیر وی بر الهیات ترسیم گردیده است و اینکه در آینده چه تأثیرات دیگری را می‌توانیم از تفکر وی انتظار داشته باشیم. در آخر به تأثیر تفکر متأخر ویتگنشتاین بر الهیات معاصر پرداخته شده

است. این تأثیر در ساخت و توسعه‌ی نظام‌های الهیاتی مثل الهیات ناواقع‌گرا و الهیات روایی مورد بحث قرار گرفته است.

در نهایت به تأثیر فلسفه‌ی تحلیلی بر الهیات که کمتر مورد توجه و بحث قرار گرفته پرداخته شده و همچنین به تأثیر تفکر متأخر ویتگنشتاین بر بازخوانی تاریخ الهیات مسیحی اشاره گردیده و پیرامون آن توضیحاتی داده شده است. مطلب اخیر شاید اولین بار باشد که بر اساس فلسفه‌ی ویتگنشتاین به آن پرداخته شده است.

تأثیر ویتگنشتاین متقدم بر کلام اسلامی قبلاً توسط متفکرین اسلامی بحث شده بود، اما تأثیر تفکر متأخر وی بر کلام اسلامی به گونه‌ای که در این مقاله ارائه شده است مورد بحث قرار نگرفته، و شاید برای اولین بار باشد که قرابت‌های تفکر وی با اخباریگری و نیز با مکتب تفکیک طرح می‌گردد. طرح چنین مباحثی به ما کمک خواهد کرد تا از طریق این نوع فلسفه‌ها به مسایل جدیدی که برخورد کلام اسلامی با آنها اجتناب‌ناپذیر است بپردازیم و هم با اشراق از جانب چنین فلسفه‌هایی بر کلام اسلامی، شاهد باروری اندیشه‌های جدید در عرصه‌ی کلام اسلامی باشیم.

**کلیدواژگان:** فضای منطقی؛ دست‌ورزبان مفهومی؛ شکل حیات؛ بازی‌های زبانی؛ زبان دینی؛ زبان دین.



## نقش تمهیدی هنر در موجه کردن باورهای دینی

مهدی بهرامی

کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر و طلبه درس خارج فقه حوزه علمیه قم

[mahdibahrami@live.com](mailto:mahdibahrami@live.com)

### چکیده

باور یک حالت ذهنی و شناختی است، حالتی عاطفی مانند یا یک هیجان و میل نیست اما با این وجود باور گواهی به نوعی گرایش است، گرایشی به سمت موضوعی معین و مشخص. اما باید توجه داشت که همه باورها همراه با یقین نیستند. توجیه و اثبات‌پذیری گزاره‌های دینی، یکی از مسائل چالش برانگیز در فلسفه دین و معرفت‌شناسی دینی است که در باب صدق و توجیه باورهای دینی بحث می‌شود. معرفت‌شناسان معرفت را به باور صدق موجه «Justified true belief» تعریف کرده‌اند. بنابراین توجیه به وسیله قرائن و شواهد یکی از مولفه‌های معرفت به شمار می‌آید برای توجیه باورها نظریات مختلفی وجود دارد. سوال این است که آیا هنر می‌تواند نقشی در عقلانیت کردن یا موجه کردن باور داشته باشد؟ بر این اساس اگر بدیهی بودن یا واضح بودن باور از شرایط موجه بودن آن باشد این تحقیق با روش تحلیلی - کتابخانه‌ای به بررسی نقش هنر در بدیهی کردن و واضح کردن باورها خواهد پرداخت.

**کلمات کلیدی:** هنر، فلسفه دین، باور صدق موجه، باور، دین، عقل

## پرسشی در باره مفهوم عقلانیت باورهای دینی

قاسم پورحسن

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

ازسده هفدهم به بعد انتقادات نیرومندی به مبنا گروی والهیات طبیعی صورت گرفت. این امر به ظهور دیدگاه دلیل گرایی (Evidentialism) که برعقلانیت افراطی در توجیه باورهای دینی تاکید داشت، مودی گشت. در دوره اول، پیروان دلیل گرایی برصرف ارائه دلیل گزاره‌ای بسنده می‌کردند اما با نوشتن کتاب اخلاق باورکلیفورد به دلیل کافی (Sufficient evident) درتوجیه باورها روی آوردند. دو پرسش اساسی در تحلیل مفهوم عقلانیت خود نمایی می‌کند:

پرسش اول این است که معنای دقیق عقلانیت چیست؟ آیا عقلانیت بیرونی مراد است یا عقلانیت درونی؟ عقلانیت به معنای ارسطویی مدنظر است یا عقل جمعی یا عقلانیت هدف - وسیله؟ آیا عقل تمامی انسان‌ها باید در اینجا دخیل باشد یا عقل دینداران یا مخالفان؟ برخی اعتقاد دارند منظور از عقلانیت این است که مجموعه‌ای از شرایط وجود دارد که هرکدام از این شرایط به تنهایی شرط لازم و همگی شرط کافی عقلانیت باور دینی است. این پرسش‌ها نشان می‌دهد که جانبداری از عقلانیت افراطی در توجیه باورها چندان مقرون به توفیق نبوده وگوشزد می‌کند که نباید با عقلانیت به سادگی برخورد کرد.

پرسش دوم به کفایت باز می‌گردد. چه مقدار از دلیل گزاره‌ای می‌تواند کافی تلقی شود؟ آیا می‌توان حد کفایتی را تعریف کرد؟ در مقاله حاضر می‌کوشیم تا با نقد

عقلانیت افراطی لاک و کلیفورد، و با بهره‌گیری از نظام معرفتی علامه طباطبایی و با آگاهی از محدودیت‌های ادراکی عقل، از دلیل یقینی (Certain evident) جانبداری نماید.

**کلید واژه‌ها:** باور دینی، عقلانیت، دلیل کافی، دلیل یقینی، توجیه عقلانی

## تکثرگرایی دینی در پرتو توحید قرآنی

پدرام پورمهران

دانشجوی ای فلسفه «حکمت متعالیه»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

E-mail : pedrampourmehran@gmail.com

### چکیده

تکثرگرایی دینی، آنچنان که جان هیک بدان می‌پردازد، بر دو پایه استوار است؛ واکنش اندیشمندی مسیحی به انحصارگرایی مسیحیت و ضرورت احترام به سایر ادیان در عصر جهانی شدن. نظریه تکثرگرایی، تا آنجا که مربوط به نقد انحصارگرایی مسیحیت است، مبتنی بر فرهنگ لیبرال و سکولار غرب است و نمی‌تواند همچون الگویی ثابت در جوامع دینی شرقی، ملاک داوری قرار گیرد. اگر معیارهای جان هیک همچون اصولی ثابت تلقی گردد، تکثرگرایی خود به دام انحصارگرایی گرفتار می‌آید. اما احترام به دیگر ادیان، نکته برجسته تکثرگرایی است و زمانی تحقق می‌یابد که در فضای فرهنگی هریک از ادیان بزرگ عالم، به طور جداگانه، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و سپس نتایج یافته‌ها در سطحی جهانی عرضه گردد. درغیراین صورت، تکثرگرایی برای پیروان ادیان قابل پذیرش نیست و از حد نظریه پردازی فراتر نمی‌رود؛ جنبه عملی تکثرگرایی بسیار مهمتر از جنبه نظری آن است. در این جستار، مولفه‌های بنیادینی که جان هیک نظریه‌اش را برآن استوار می‌سازد - مؤلفه‌هایی چون انقلاب کپرنیکی در الهیات، نقد انحصارگرایی مسیحیت، نقد آموزه تجسم خدا در مسیح، نظریه خدای واحد برای ادیان، تحول از خودمداری به حق‌مداری - با برخی از آیات قرآن کریم که مضمونی همانند دارد، مقایسه می‌گردد تا اولاً نوعی تکثرگرایی برمبنای

آموزه های وحیانی قرآن، معرفی گردد و ثانیاً آشکار شود که اصولی را که اندیشمندی مسیحی با نقد و بررسی مسیحیت، در قرن بیستم بدان پی برده است، قرآن کریم در هزار و چهارصد سال پیش، بر زبان وحی جاری ساخته است.

**واژگان کلیدی:** تکثرگرایی دینی، انحصارگرایی، مسیحیت، جان هیک، قرآن، توحید، وحی.

## تبیین برهان وجودی نزد فیلسوفان دین معاصر

مرتضی پویان

دانشجوی رشته فلسفه و حکمت اسلامی - دانشگاه تربیت مدرس تهران

### چکیده

مسئله برهان وجودشناختی یا همان برهان وجودی برای نخستین بار در غرب توسط آنسلم مطرح گردید. بعد از وی این برهان مورد نقد یا تأیید بسیاری از فیلسوفان غربی واقع شد. ولیکن این برهان با طرح سه اشکال معروف کانت از شدت و اوج ارزش خود کاسته شد. بعد از کانت قریباً بحث برهان وجودی مگر در فلسفه هگل مورد توجه و عنایت زیادی قرار نگرفت. اما در فلسفه معاصر و بالخصوص نزد فیلسوفان دین معاصر این مسئله مورد عنایت ویژه قرار گرفت و این فیلسوفان جدید در مورد صحت و سقم این برهان بار دیگر به بحث و گفتگو پرداختند و با رویکردهایی جدید نسبت به تمامیت یا عدم تمایت این برهان به بررسی، مطالعه و تحقیق مجدد آن اهتمام ورزیدند. در این میان فیلسوفانی همچون پلنتینجا، ملکوم، هارتشورن و اوپی و برخی دیگر به دفاع یا توجیه نظریه آنسلم در تقریر برهان وجودی اقدام کردند و معتقد شدند که هر چند وجود کمال نباشد اما می‌توان مفهوم وجود خدا را از طریق ضرورت منطقی به اثبات رساند و لذا انکار آن عین تناقض می‌شود. اما برخی دیگر همچون جان هیک و آلستون مانند اکثر متقدمین این برهان را ناتمام دانستند و گفتند اساساً برهان وجودی آنسلم به ضرورت منطقی توجه ندارد بلکه بر ضرورت فلسفی استوار است و از تقریر برهان وجودی نمی‌توان به ضرورت

فلسفی وجود خدا در خارج رسید. در این مقاله انشاءالله خواهیم کوشید که نخست به تبیین و سپس به تحقیق و بررسی اهم نظریات مهم فیلسوفان دین معاصر پیرامون برهان وجودی در اثبات خدا بپردازیم تا معلوم گردد آیا دفاعیات این فیلسوفان در مورد برهان وجودی آنسلم قانع کننده است و یا اشکالات مخالفین این برهان وارد است. به عبارت دیگر آیا می توان برهان وجودی آنسلم را به عنوان مسئله ای حل شده در زمره مسائل فلسفه دین در دوره معاصر بر شمرد یا خیر بلکه این برهان کماکان در هاله ای از ابهام قرار دارد.

## «رابطه عقل و دین در حکمت متعالیه»

علی پیری

دانشجوی فلسفه تطبیقی BSU

A\_piri2000@yahoo.com

چکیده:

بحث از رابطه عقل و دین از دیرباز مورد توجه و از مباحث مناقشه برانگیز بین متفکران و فیلسوفان بوده است. لیکن مسلم است که این مسئله در برخی از فلسفه‌ها نقش کلیدی می‌یابد، و از آن جمله است فلسفه ملاصدرا.

تفکر اسلامی اصولاً تضادی میان وحیانیت و عقلانیت نمی‌بیند بلکه خواه در حوزه‌ی شناخت و معرفت و خواه در حوزه‌ی عمل، عقل را ابزاری مقید و کارساز در جهت عبودیت می‌داند و عقل را یکی از جنود الهی و ابزاری جهت شناخت حق تلقی می‌کند و لذا از اشاعه‌ی عقلانیت و استفاده از دستاوردهای عقلانی تمدن بشری حمایت می‌نماید.

در این نوشتار که با استفاده از شیوه تحلیلی - استنباطی و با مبنا قرار دادن خود تألیفات ملاصدرا تا حد وسع، سعی نموده‌ایم پس از ارائه‌ی تعریفی از عقل و نشان دادن جایگاه و قلمرو آن، اشاره‌ای به شهود و وحی به عنوان منابع دیگر معرفتی حکمت صدرایی پرداخته و رابطه‌ی عقل و دین را در فلسفه‌ی ایشان مورد بررسی قرار دهیم.



کلمات کلیدی: عقل، شهود، شهود عقلانی، ملاصدرا، وحی، کشف.

## تجربه دینی و نقش آن در اثبات وجود خداوند

خدیدجه تبریزی

دانشجوی دوره ی کلام (فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) دانشگاه قم

موضوع اصلی این نوشتار «تجربه دینی» و امکان اقامه برهان از طریق آن برای اثبات وجود خداوند است. از آنجا که «تجربه دینی» موضوعی است که زمان زیادی از ورود آن به حوزه مباحث الهیات و فلسفه دین نمی‌گذرد، ابهامات زیادی درخصوص چیستی و حقیقت و نیز گستره و ابعاد آن وجود دارد. فهم حقیقت «تجربه دینی» و مراد و منظور از این اصطلاح اساس این بحث را تشکیل می‌دهد؛ زیرا بسیاری از مباحث مطرح در این حوزه به علت عدم تبیین دقیق محل نزاع و تلقی متفاوت صاحب‌نظران از حقیقت تجربه دینی بی‌ثمر و ناتمام مانده است. هرچند پیش از این نگرش تجربی به دین در قالب مقولاتی همچون کشف و شهود یا مشاهده عرفانی، علم حضوری و معرفت فطری در اندیشه‌های عرفانی - فلسفی مورد توجه بوده است، اما ظاهراً آنچه امروزه از «تجربه دینی» مراد می‌شود و در بسیاری از مباحث فلسفه دین نقش محوری دارد، دقیقاً مطابق عناوین فوق نیست و انواع و اقسام زیادی دارد که پیدا کردن وجه جامع آنها نیز دشوار است.

علاوه بر اینکه توجیه باور دینی از طریق تجربه دینی امری است که سابقه چندانی ندارد. حتی در عرفان اسلامی که بر تجربه دینی و نیل به آن از راه مراقبه تأکید زیادی می‌شود، بحث از اثبات وجود خداوند از این طریق مطرح نبوده است. به هر

ترتیب به نظر می‌رسد هرگونه بحث از نقش تجربه دینی در توجیه باور به خداوند و امکان اقامه برهان بر مبنا و اساس آن متوقف بر این است که حقیقت تجربه دینی و مراد و منظور از این اصطلاح روشن شود.

دیدگاهی که تجربه دینی را از مقوله احساس می‌داند (دیدگاه شلایرماخر، اتو و ویلیام جیمز)، همچنین دیدگاهی که تجربه دینی را هم‌سنخ با ادراک حسی می‌داند (دیدگاه آلستن) و نیز دیدگاهی که مراتب بالای تجربه دینی را نوعی علم حضوری تلقی می‌کند، دیدگاه‌هایی هستند که در این نوشتار مطرح شده و امکان اقامه برهان برای اثبات وجود خداوند از منظر آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل و ارزیابی تفاوت‌های احساس، ادراک و علم (از نوع حضوری آن) که نقشی تعیین کننده در موضع‌گیری ما در این زمینه دارد نیز بخش دیگری از این نوشتار را شکل خواهد داد.

بررسی قواعد منطق برای سودمندی یک برهان و تطبیق دادن این قواعد با تجربه دینی از دیگر ارکان این بحث است؛ بدین صورت که اگر قرار باشد تجربه دینی بتواند مبنا و اساس برهانی قرار گیرد که یقین بالمعنی الأخص در مورد وجود خداوند را فراهم آورد باید دارای چه شرایطی باشد و کدام یک از دیدگاه‌هایی که در مورد حقیقت آن وجود دارد می‌تواند این شرایط را برآورده سازد.

دین و روان‌شناسی از منظری وجودگرایانه:  
تدوین مؤلفه‌های روان‌درمانگری وجودی مبتنی بر فرهنگ دینی

فاطمه تقی یاره

ی روان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی

غلامرضا اعوانی

استاد فلسفه و عضو هیئت علمی موسسه‌ی پژوهشی

حکمت و فلسفه‌ی ایران و دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

در طول یک قرن گذشته، پس از غلبه‌ی نگرش طبی به مسائل و مشکلات روان‌شناختی انسان، تلاشی جدی از سوی برخی روان‌درمانگران برای معنادهی مجدد به مشکلات انسان در مواجهه با حیات صورت گرفته است. بسیاری از آنان، روان‌پزشکان یا روان‌تحلیل‌گرانی بوده‌اند که محدودیت‌های رویکرد خویش را درک کرده و در جستجوی جایگزینی بهتر همت کرده‌اند. این جایگزین، رویکرد وجودی است که در روان‌درمانگری و با الهام از فلسفه‌ی وجودی که خود، در تلاش یافتن کاربردهای انضمامی روش فلسفی بوده، شکل گرفته است. رویکرد وجودی به درمان‌روان، علیرغم دارا بودن ابعاد ویژه‌ی خاص خود دچار کاستی‌هایی می‌باشد. این کاستی‌ها مواردی را شامل است از قبیل: الف - فقدان چارچوب ارجاع هستی‌شناختی منسجم در نتیجه‌ی دور شدن و یا بی‌توجهی به آرای فلاسفه‌ی وجودی پیشگام و متاله؛ ب - بی‌توجهی به بیان وجودی. پژوهش حاضر در راستای

رفع کاستی‌های فوق با تکیه بر فرهنگ دینی راه‌اندازی شد. این پژوهش در چارچوب مطالعات کیفی و با روش استنتاج تحلیلی به انجام رسید. نتایج شامل ارائه‌ی تعاریفی از سلامت و بیماری روان؛ استخراج تعاریفی از زبان وجودی؛ تدوین مؤلفه‌های درمان وجودی و چارچوب ارجاع معنایی جهت درمانگری وجودی بوده است. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت، انگیزه‌ی اساسی در انسان اراده‌ی ربط نامتناهی است. درمان تدوین شده مدعی این اندیشه است که گسست در وجه ربطی خاص می‌تواند از جمله علل اساسی بیماری‌های روان باشد؛ و لذا، پیشرفت در شکل‌دهی مجدد آن، منجر به کاهش اختلال می‌گردد. همچنین، اختلال در وجه ربطی می‌تواند از جمله علل اختلال در تحول شخصیت به شمار آید، و لذا، پیشرفت مورد نظر منجر به ارتقای آن می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** روان درمانگری وجودی، چارچوب هستی‌شناختی، فرهنگ دینی، ربط نامتناهی

## مفهوم خدا در فلسفه دین هگل

زهره جمشیدی کیا

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی

zohreh.kia@gmail.com

### چکیده

هگل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه، همواره مورد بحث بوده و پیچیدگی اندیشه او و زبان دشواری که برای بیان این اندیشه‌ها به‌کار برده است، نه تنها فهم فلسفه وی را دشوار ساخته بلکه امکان تفسیرهای مختلف و گاه کاملاً متفاوت را به هگل‌شناسان و منتقدان او داده است.

یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز اندیشه او، خدا و جایگاه خدا در فلسفه اوست. از آنجا که او معرفت فلسفی را اصیل‌تر و معتبرتر از معرفت دینی می‌داند، مسأله خدا هر چند دینی است اما برای هگل مسأله‌ای کاملاً فلسفی به‌شمار می‌رود. در این نوشتار با تأکید بر منطق خاص هگل و تعاریف وی از مفاهیم کلیدی اندیشه‌اش، تلاش می‌کنیم خط سیر الهیات او را دنبال کنیم.

از نظر هگل محتوا، نیازها و علایق فلسفه به‌طور کلی با دین مشترک است. موضوع دین و فلسفه، حقیقت ازلی خداوند و شرح و بیان آن است، در نتیجه فلسفه زمانی خود را آشکار می‌کند که دین آشکار شود و زمانی که فلسفه در حال تبیین خود است، در واقع به شرح و بسط دین از منظر خود می‌پردازد. اما باید توجه داشته باشیم که دین و فلسفه در عین توافق و یکی بودن موضوع، در ویژگی‌ها و نحوه

برخوردشان با خدا با هم تفاوت دارند. دین مضمون راستین فلسفه را برای فلسفه مشخص می‌کند و فلسفه برای دین عقلانی بودن این مضمون را به‌ارمغان می‌آورد. این موضوع واحد دین، هنر و فلسفه - مطلق - در فلسفه در صورت معقول، در دین در صورت امر تمثلی و در هنر در صورت محسوس ادراک می‌شود. چه در دین و چه در فلسفه خدا می‌تواند خود را فقط در عقل انسان آشکار کند، چرا که عقل قلمرو روح قلمداد می‌شود که خدا خود را در آن بر انسان متجلی می‌سازد. فلسفه در پی این نیست که جایگزین دین شود یا آن را از میان ببرد، بلکه می‌خواهد ژرفنای دین را کشف کند.

خدای هگل، یک موجود فراحسی و عالی نیست بلکه شرط غایی و امکان یک کلیت تجربه و به‌طور عام، تجربه دینی یا تجربه ارتباط دینی متناهی و نامتناهی است. در این معنا، نخستین اصل فلسفی و الهیاتی مشترک و یگانه، خدا یا ایده مطلق است. از منظر هگل خدا نه تنها واقعی، که «واقعیت مطلق» است، یعنی موجودی که در خود و برای خود است. اما فقط از طریق این عالم و در این عالم قابل درک است، نه جدای از عالم. واقعیت خدا خارج از این عالم، واقعیتی انتزاعی خواهد بود که قابل شناخت نیست، خدا زمانی یک حقیقت انضمامی، زنده و راستین یا «روح مطلق» است که در عالم باشد.

**واژگان کلیدی:** هگل، خدا، روح، مطلق، مفهوم، عقل، منطق، ایده، دین، فلسفه.

## شُرور در باور مردم و بازتاب آن در ادبیات فارسی

صغری جلیلی جشن آبادی

دستیار علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور خاش

[jalilisoghra@ymail.com](mailto:jalilisoghra@ymail.com)

[sjalili1390@gmail.com](mailto:sjalili1390@gmail.com)

ایوب علیزاده

دبیر آموزش و پرورش

### چکیده:

ناملايمات و بحران های روحی چون؛ بیماری، فقر، مرگ، جدایی و... و حوادث طبیعی چون؛ سیل، زلزله و... که در زندگی بشر اتفاق می افتد، این سؤال را در ذهن او می افکند که از پروردگار حکیم و بخشنده و مهربان، چنین حوادثی دور از ذهن است. از این مسائل و بحران ها به شرور تعبیر می شود. این که فلسفه ی شرور در ادیان و مذاهب و باورهای مختلف چیست، بسیار سخن رفته است. و این که مردم، (ورای از این قیل و قال های فلسفی) چه برداشتی از آنها داشته و دارند، در این پژوهش بررسی می شود. تفکرات اولیه ی انسان ها، نخستین سنگ بنای تمامی فلسفه های دنیا را شکل داده است؛ از آنجایی ادبیات نیز آینه ی اندیشه های بشری است، این بررسی در محدوده ی آثار بزرگان ادب فارسی بررسی می شود. بدیهی است کسانی مانند؛ فردوسی، ناصر خسرو، مولوی و... ابتدایی ترین سؤال های بشری در این باره را مطرح نموده و پاسخ هایی همه فهم به آن داده اند. در نهایت چهره ای خاص از خداوند، در تفکر عموم ترسیم می شود.

**واژگان کلیدی:** شرور، ادبیات فارسی، مردم، خدا



## رابطه عقل و ایمان

زهرا حدادزاده نیری

کارشناس ارشد، فلسفه و کلام اسلامی

بهجت واحدی

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

[zahradadzade@yahoo.com](mailto:zahradadzade@yahoo.com)

### چکیده

رابطه عقل و ایمان ریشه بسیاری از مباحثی است که در طول تاریخ در جهان اسلام مسیحیت و سایر ادیان پدید آمده است مباحثی از قبیل عقل و وحی ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی علم و دین، عقل‌گرایی و ایمان‌گرایی هر کدام شاخه‌ای از شاخه‌های این مسأله‌اند.

مهمترین سؤالاتی که در این حوزه مطرح می‌گردد عبارتند از اینکه: آیا عقل و دین جمع‌شدنی هستند؟ آیا عقل در قلمروی دین جایی دارد؟ آیا عقل صرفاً در مقام تعلیم و فهم گزاره‌های دینی است یا اینکه در مقام تبیین و تعلیل نیز نقشی دارد؟ تا چه اندازه می‌توان ایمان را عقلانی کرد و اصلاً تا چه اندازه می‌توان بر عقل اعتماد کرد؟

این مسائل و مسائل دیگر که از دیر باز مورد توجه فیلسوفان و الهی‌دانان بوده است از اهم مسائل فلسفه دین معاصر به شمار می‌رود که به این پرسشها پاسخ‌های داده شده و آن پاسخ‌ها نیز مکرراً را مورد بازنگری و تأمل دوباره قرار می‌گیرد.

در این مقاله برانیم با تعریف مناسب عقل و ایمان و بررسی فرقه‌های مختلفی که در مورد ارتباط این دو به نظریه‌پردازی پرداختند به جمع‌بندی مناسبی در مورد مباحث مربوطه دست یابیم.

کلید واژه‌ها: عقل، ایمان، اسلام، مسیحیت، سازگاری

## جایگزینی تکنولوژی به جای دین؛ رهاورد رویکرد فلسفی انسان عصر جدید

سید حسین حسینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Drshhs44@gmail.com

### چکیده

ماهیت تکنولوژی در نگاه فلسفی هایدگر نوعی انکشاف دانسته شده که حقیقت را آشکار می‌سازد؛ گشتل یا چارچوبی که در آن همه چیز به‌عنوان منبع ذخیره مورد تعرض قرار گرفته و همراه با تقدیری پر خطر است. وی راه‌هایی از این تقدیر را پس از ارائه درمان پدیدار شناختی (با مخاطب قراردادن تکنولوژی از طریق پرسش انتقادی)، در توسل به هنر می‌داند که هم نوعی انکشاف است و هم حقیقت را روشن می‌سازد. این راه حل گرچه امکان دارد نقش تسکینی داشته باشد اما هرگز بنیاد تکنولوژی را دگرگون نخواهد کرد چرا که تقدیر محتوم تکنولوژی زاییده ماهیت حقیقی آن است که از نوع نگاه انسان جدید به طبیعت و انسان نشأت گرفته است.

در این مقاله پس از اشاره‌ای کوتاه به نگاه هایدگر به تکنولوژی، از نقش امروزی تکنولوژی به مثابه دین مصنوع بشر معاصر سخن گفته و ضمن باز تعریف مؤلفه‌های اصلی مفهوم دین در تعیین نسبت‌های ضروری انسان با حلقات سه‌گانه «جهان»، «خدا» و «خود» و در قلمروهای «بینشی»، «ارزشی» و «کنشی»، نشان داده خواهد شد که هنر نمی‌تواند بشر کنونی را از چنبره تقدیر پرخطر تکنولوژی رها سازد چرا که

تکنولوژی عصر جدید توانسته در بسیاری از عرصه‌هاق فوق به تعیین نوع تعامل و ترابط انسان با دنیای پیرامونش مبادرت ورزد و بدین سان خود را به عنوان جایگزین ادیان جلوه دهد. هدف مقاله توجه به دین جامع توحیدی (اسلام) به عنوان نقطه آغازین ایجاد یک تحول بنیادین در عرصه «علم»، «تکنولوژی» و «فلسفه» است چرا که می‌توان به ارتباطی منطقی بین محصولات تکنولوژی با دستاوردهای علمی و آنگاه با رویکردهای کلی فلسفی، استدلال کرد و در این صورت با تغییر و تحول در بنیادهای مبانی فلسفی نگاه انسان به جهان (براساس انگاره‌های دین جامع توحیدی)، قادر خواهیم بود از تحولی تدریجی در علوم (براساس این مبنا) و سپس به بار نشستن زمان مند تکنولوژی متناسب در حلقه‌های پسینی نیز یاد کرد.

اسلام به عنوان دین جامع توحیدی، پیش فرض تحقیق دانسته شده و مسأله اصلی مقاله آن است که: آیا مبانی اسلامی می‌تواند زمینه‌های تحول در علوم و سپس ظهور تکنولوژی جایگزین و متناسب با نیازهای بشری را فراهم سازد؟ و در این صورت، شرایط بروز چنین تحولی در عرصه علوم چیست؟

**کلید واژه:** تکنولوژی، تحول علوم، دین، رویکرد فلسفی، علم دینی

## مروری تطبیقی بر مهمترین دیدگاه های مدافعان و مخالفان نظریه طراحی هوشمند در اثبات خدا

سید حسن حسینی  
دانشگاه صنعتی شریف  
hoseinih@sharif.edu

### چکیده:

این مقاله سه بخش دارد. در بخش نخست، استدلالهای اصلی مدافعان نظریه "اتقان صنع" و "طراحی هوشمند" در اثبات خدا در صورت بندی منطقی بازسازی خواهد شد.

در این قسمت استدلال های توماس اکوینی (روش پنجم)، ویلیام پیللی، مایکل بیپی، ویلیام دمسبکی، ریچارد سوین برن در اثبات خدا از طریق آنچه براهین غایت شناختی و یا طراحی هوشمند گفته شده است، مورد توجه قرار می گیرد.

قسمت دوم مقاله به باز سازی منطقی اعتراض مخالفان اصلی این براهین، یعنی دیوید هیوم، چارلز داروین، ریچارد داکینز، و دنیل دنت و استدلال های اصلی آنان اختصاص خواهد داشت .

بخش سوم مقاله نیز دو فرضیه را دنبال می کند . (۱) تمامی استدلال های مذکور (مشهور به براهین غایت شناختی، نظم، طراحی هوشمند) از صورت بندی منطقی

واحدی بر خور دارند و از روش استقرایی در اثبات مدعای خود بهره‌مندند. (۲)  
اشکالات منتقدان در دو منظومه فکری هیوم و داروین قابل تلخیص است.

**کلیدواژگان:** براهین اثبات وجود خدا، نظریه طراحی هوشمند، تطبیق نظر موافقان و مخالفان

## تبیین، تحلیل و نقد شرور ادراکی از منظر ملاصدرای شیرازی

غلامحسین خدیری

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمد خیاط زنجانی

دانشجوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طرح مسئله شرور در عالم، از جمله مسائلی است که از دیر باز همواره مورد توجه ادیان و مکاتب معتقد به ماورائ الطبیعت بوده و به همین خاطر در کتب کلامی و فلسفی خویش آن را مورد توجه قرار داده و سعی بلیغشان نیز معطوف به یافتن پاسخی عالمانه، بوده است. در این راستا راه حل های متفاوت و شیوه های گوناگونی را آنان مورد توجه قرار داده که به طور معمول می توان حداقل در میان فلاسفه به دو روش «نیستی انگاری» و «تقسیم گرایی» به عنوان پاسخی جامع و مانع، اشاره کرد. ملاصدرای شیرازی در بیشتر کتب خود و به نحو عام از روش نیستی انگاری شرور، بهره جسته و شر را امری عدمی دانسته است اما در خصوص شرور ادراکی که وی آنرا از اعظام مباحثه مشکله می خواند اولاً قایل به نحوه ای وجودی برای آن شده و دیگر آنکه با روشی منحصر به فرد، وی در صدد راه حلی فلسفی برآمده است. شرور ادراکی که بیانگر ادراک آلام و رنجهای انسان است دارای سه قسم می باشد: ۱- رنج حاصل از انفصال و دردهای منتج از بدن و ماده ۲- درد حاصل از تأمل در اموری چون مرگ و عدم ایصال به سعادت به صورت خیالی ۳- رنج های ماوراءطبیعی

همچون رویا، منامات و الهامات شیطانی که بیان صاحب اسفار به غیر از قسم نخست در دیگر اقسام، جای تامل دارد. تلاش این مقال بازخوانی اندیشه وی در مورد شرور ادراکی، تحلیل و نقد آن است.

**کلید واژه‌ها:** شرور، ملاصدرا، شر ادراکی، رنج و درد، مرگ



## عقلانیت باور یا التزام؟

زهرا خزاعی

دانشیار، عضو هیئت علمی گروه فلسفه، دانشگاه قم

به اعتراف فیلسوفان دین توجیه باورهای دینی از مهمترین مسایل فلسفه دین می‌باشد. وثاقت‌گرایان اعتبار عقلانی باور را مبتنی بر قرینه و دلیل می‌دانند و ایمان‌گرایان تکیه بر ایمان صرف را تنها راه پذیرش و توجیه باورها تلقی می‌کنند. طرفداران الهیات اصلاح شده با گذار از مبنای سستی و ادعای عدم نیاز به شاهد و قرینه، باور به وجود خداوند را باوری پایه‌تلقی کرده و در عین معقول دانستن باورهای دینی، نه ایمان‌گرایی را رویکردی مناسب برای توجیه باورهای دینی می‌داند و نه عقل‌گرایی را. مقاله حاضر ضمن اشاره به رویکردهای سه‌گانه و برشمردن مشکلات ناشی از انحصار عقلانیت به عقلانیت باور، به دلیل ارتباط بین عقلانیت نظری و عملی، بر اهمیت نقش التزام دینی در توجیه باورهای دینی تأکید می‌کند و بحث در باره عقلانیت التزام دینی را کارآمدتر از عقلانیت باور می‌داند و بر این عقیده است که التزام دینی عاقلانه بیش از توجیه عقلانی باور می‌تواند باعث توجیه باورهای دینی شود. در اینجا پس از بررسی معنا و مولفه‌های التزام دینی و تبیین عقلانیت مورد نظر مشخص می‌شود این نوع عقلانیت چگونه و تا چه حد می‌تواند در توجیه باورهای دینی موثر باشد.

**کلید واژه‌ها:** عقلانیت، باور، التزام، دین.

## زبان دین اسلام

عبدالحسین خسروپناه

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

akhosropanah@yahoo.com

### چکیده:

زبان دین و زبان اسلام، یکی از مباحث فلسفه دین و کلام جدید است. این مبحث به سه ساحت معناشناسی اسما و صفات الهی، معناشناسی گزاره‌های دینی و اثبات‌پذیری باورهای دینی می‌پردازد. هدف این مقاله، پاسخ به دو پرسش از معنای اسما و صفات مشترک میان حق تعالی و مخلوقات و صفات خبریه و همچنین تبیین معناشناختی گزاره‌های دینی است. دیدگاه متکلمان اهل سنت و شیعه و نظریه تمثیل آکویناس در بحث صفات مشترک و صفات خبریه بیان گردیده و نظریه اشتراک معنوی مشکک به عنوان نظریه برگزیده پذیرفته شده است. دیدگاه پوزیتیویسم و نظریه تحلیل زبانی نیز در بحث معناشناسی گزاره‌های دینی گزارش و نقادی شد و نظریه واقع‌نمایی گزاره‌های اسلامی به عنوان نظریه برگزیده مطرح گردید.

**کلید واژه‌ها:** زبان دین، متون اسلام، اسما الهی، صفات مشترکه، صفات خبریه، گزاره‌های دینی، معناشناسی

تجربه شونیاتا (:تهیگی) در بودیسم:  
نقضی بر نظریه ساختگرایی کتز در تجربه عرفانی

ندا خوشقانی

کارشناس ارشد ادیان و عرفان؛ دانشگاه تهران

پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد تهران

Email: khoshaghani@yahoo.com

چکیده:

بنابر دیدگاه ساختگرایانی چون استیون کتز هیچ تجربه خالص و بی واسطه ای نه در تجارب عرفانی و نه در انواع عادی تر تجربه وجود ندارد که از زمینه‌های پیشین ذهنی عارف، از جمله زمینه‌های اعتقادی، الهیاتی، اجتماعی، فرهنگی و... متأثر نباشد. تجارب دینی و عرفانی اشخاص مختلف نیز تا حد قابل توجهی گویای این مسأله است؛ برای مثال یک برهمنی در تجربه خود از مواجهه با مسیح سخن نمی گوید یا یک صوفی از تجربه مواجهه با یک بوداسف چیزی برای گفتن ندارد؛ بلکه هر یک از تجربه ای سخن می گویند که وابسته به پیش زمینه های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی ذهن آنهاست. این نظریه در برابر نظریه معتقدان به حکمت خالده که همه تجارب عرفانی را دارای هسته ای مشترک و فراتر از پیش زمینه های ذهن عارف می دانند بسیار قابل توجه است. اما مشکل نظریه ساختگرایی زمانی آشکار می گردد که در برابر تجارب عمیق عرفانی در ادیان و مکاتب مختلف قرار می گیرد؛ تجاربی چون شونیاتا یا تهیگی یا تجربه فنا در فرهنگ اسلامی و از این دست. برای نمونه یک بودایی در تجربه شونیاتا در مقامی قرار دارد که آگاهی اش به چیزی تعلق ندارد. در

عین هشیاری متعلق بوجود ندارد که هشیاریش را معطوف به آن دارد. در متون بودایی همچون در سوره پرگیاپارمیتا به خوبی این مسأله اذعان می شود که در آنجا «می رسیم به عنصر آگاهی بدون دانستگی، نه دانش هست، نه نادانی،...». این نکته در بسیاری از مکاتب عرفانی نیز وجود دارد که عارف از حالتی هشیاری بدون متعلق در تجربه خویش سخن می گوید؛ این نکته یکی از مواضع نقد و نقض نظریه کتز مبنی بر متأثر بودن «تمامی تجارب اعم از عمیق و عادی» از پیش زمینه‌های حاکم بر ذهن فرد است که از سوی منتقدانی چون رابرت فورمن نیز بر آن تاکید شده است.

**کلید واژه‌ها:** استیون کتز، ساختگرایی، تجربه عرفانی، رابرات فورمن.

## نقد نظریه نورمن مالکولم در توجیه باورهای دینی

مزدک رجیبی

عضو هیأت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده:

در این مقاله نظریه نورمن مالکولم نقد می‌شود؛ نظریه وی بر پایه نظریه بازیهای زبانی لودویگ ویتگنشتاین است. از آن روی که دین و عقلانیت دو بازی زبانی متفاوت هستند، وی یافتن راهی برای توجیه عقلانی باورهای دینی را کاری عبث و بی‌اساس می‌داند. نظریه وی بازسازی و بازتولید نظریه ایمانگرایی است که با نظریه ویتگنشتاین توجیه و تزیین شده است.

نقد نخست بر این بنیان استوار است که مبانی و باورهای اساسی دین ناگزیر با محک شناخت عقلانی سنجیده می‌شود. میتوان از نظریه بازیهای زبانی این نتیجه را برکشید که ایمان و عقل دو حوزه کاملاً متمایزند و از همین‌رو برای توجیه ایمان نباید به سراغ قواعد بازی عقل رفت، اما به خود نظریه ویتگنشتاین میتوان با دیدی انتقادی نگریست. دین و علم یا هر حوزه‌شناختی، نظام‌هایی متمایز هستند، ولی نه به این معنی که دین و ایمان چیزی غیر عقلانی است. به نظر نویسنده شناخت، ابزاراری فراگیر است و همه چیز از جمله دین را دربرمی‌گیرد، البته با در نظر گرفتن این نکته که عقل بشر تاریخی، نسبی و در تکاپوست و نه فراتاریخی، مطلق و ایستا از همین رو نمی‌توان آن را معیار مطلق توجیه باورهای دینی دانست، ولی تنها معیار فراگیر در

دست بشر است و از آن گریز و گزیری نیست. جدایی عقل و دین راه را بر هر گونه فهم عقلانی دین می‌بندد و دین را چیزی غیرعقلانی و حتی ضد عقلانی جلوه می‌دهد.

نقد دوم متوجه بخش دیگری از نظریه مالکولم است؛ وی باورهای بنیادی دین را از آن دسته باورهایی می‌داند که چون اساسی هستند به توجیه توسط عاملی دیگر نیازمند نیستند. به تعبیر وی این گونه باورها به مبنا نیاز ندارند چون بربنیان خود آنها شناخت و مجموعه باورهای دیگر تکوین می‌یابد. این دیدگاه بازسازی نوعی مبناگرایی شناختی است. برای تبیین هر نظام شناختی منطقی باید مبانی آن نظام را هم توضیح داد و صرف بیان مبنایی بودن آنها کفایت نمی‌کند. اگر در دین یا علم باورهایی هستند که مبنا و بنیاد سایر قضایا یا باورها هستند، باید درباره صحت و سقم و نیز معقول بودن آنها نیز تبیینی مناسب ارائه داد.

**کلیدواژه‌ها:** بازی زبانی، مبناگرایی شناختی، عقلانیت، ایمانگرایی، باور دینی، بی‌نیازی از مبنا

## تقارب ممکن

### ملاحظات بر نسبت علم و دین

#### مطالعه موردی: نجوم عرفانی در آثار ابن عربی

داریوش رسولی

کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر

دانش آموخته مهندسی عمران - کارشناسی ارشد مدیریت - محقق و مترجم

#### چکیده:

تعارض و تقارب ناممکن علم و دین اساساً پدیده‌ای در دنیای معاصر است. این عارضه از آنجایی ناشی می‌شود که عموماً نسبت علم را با حقیقت حقیقی‌تر تلقی می‌کنند. از سویی آنچه که امروزه علم خوانده می‌شود نسبتی با علمی که مورد نظر ادیان است ندارد، وجه دیگر این تعارض در تعریف و کارکردی است که از دین در دنیای معاصر مورد نظر است که اساساً نه فقط با خود دین - فی نفسه - بلکه با علم نیز در تعارض است. تبیین نسبت علم و دین با حقیقت را می‌توان یکی از مسائل مطرح در فلسفه دین دانست، و اینکه آیا دین می‌تواند در نسبتش با حقیقت نقطه شروع و آغازی بر یک علم باشد. به طریق مشابه می‌توان چنین مطرح کرد که آیا می‌توان از علمی سخن گفت که در تقارب (سازگاری) با حقایق دینی باشد. به عبارتی آیا امکانی بر سازگاری در اصول موضوعه و روش در این دو مقوله وجود دارد.

این مقاله در بخش نخست به نسبت میان علم و دین و علم متقارب با حقایق دینی می‌پردازد، و در ادامه و در بخش دوم به‌عنوان یک مطالعه موردی این نسبت و رویکرد را در نجوم عرفانی ابن عربی نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** دین، علم، نسبت علم و دین، نجوم عرفانی



## روایت هستی در تراژدی‌های یونانی و ادیان ابراهیمی

محمدعلی روزبهانی

طلبه حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد فلسفه هنر

Email: Toobamail@gmail.com

### چکیده:

تراژدی‌های یونانی در بستر جهان اسطوره‌ای یونان باستان شکل گرفته است. شکل‌گیری تراژدی در فرهنگ یونانی پس از مواجهه انسان با شرور و رنج‌ها رخ داد. شهروند یونانی برای تبیین هستی و فرار از انگاره تنهایی و حیرتی که در مواجهه با حوادث هستی به او دست داده بود روی به آفرینش «قهرمان تراژدی» در روایتی «تراژیک» از عالم آورد که در آن انسان مقهور «ضرورت» و «اراده بی‌هدف و عبث خدایان» است؛ اراده خدایان نسبت به انسان و جهان لابشرط و در برابر هستی انسان بی‌تفاوت است. قلب تپنده تراژدی نمایش و تصویر سرنوشت غم‌انگیز قهرمان نیست، بلکه این «تنهایی» حیرت‌انگیز و زجرآور انسان در هستی است که در زبان داستان و نمایش‌نامه روایت شده است. محتوای تراژیک عالم همچنان با تغییر صورت سخن از «تراژدی» به «فلسفه» ادامه می‌یابد تا اینکه در سده‌های معاصر بار دیگر تغییر زبان می‌دهد و در قالب «علوم تجربی جدید» خود را نمایان می‌سازد. این قرائت تراژیک از هستی، تقابلی آشکار با آموزه‌های وحیانی ادیان ابراهیمی دارد که هر کدام به شدت و ضعف از عقل کلی بهره‌مند شده‌اند و تصویر دیگری از هستی را فراروی انسان می‌گذارند. این جستار بر آن است با تبیین هستی‌شناسی موجود در

تراژدی‌های یونانی، ادامه حیات «وضعیت تراژیک» را در ساحت فلسفه و علوم تجربی جدید و هنر مدرن بازجوید و با بررسی هستی‌شناسی ادیان ابراهیمی، تمایز موجود میان این دو نگاه را نمایان سازد. در پایان «عاشورا» به عنوان بزرگترین و غم‌انگیزترین واقعه تاریخ بشر تفسیری متفاوت و زیباشناسانه از هستی را در مقابل روایت غم‌انگیز، تاریک و تراژیک غربی از آن آشکار خواهد ساخت.

**کلیدواژه‌ها:** اسطوره، تراژدی، وضعیت تراژیک، ادیان ابراهیمی، یونان باستان، فلسفه، علوم تجربی، شیعه، عاشورا، اسلام، مسیحیت، یهودیت.

## برهان کیهان‌شناسی کلامی از منظر حکمت متعالیه

روزبه زارع

دانشجوی فلسفه تطبیقی دانشگاه قم

roozbeh.zare@gmail.com

### چکیده:

ویلیام لین کریگ<sup>۱</sup>، نوع جدیدی از براهین کیهان‌شناسی را احیاء نموده که به برهان کیهان‌شناسی کلامی<sup>۲</sup> مشهور شده است. در این برهان، آغاز زمانی (حدوث) جهان<sup>۳</sup>، نشانه معلولیت و در نتیجه، اثبات کننده وجود علتی فراطبیعی برای جهان قلمداد می‌گردد. کریگ برای اثبات مقدمه اصلی برهان خویش (حدوث عالم)، به دو دلیل فلسفی<sup>۴</sup> و دو تأیید علمی<sup>۵</sup> تمسک می‌جوید. از سوی دیگر، اثبات حرکت جوهری عالم طبیعت در حکمت متعالیه، حرکت عمومی و لایتقطع هر موجود طبیعی را نشان می‌دهد؛ به نظر می‌رسد همین مطلب، نشان دهنده معلولیت طبیعت بوده و می‌توان با استناد به آن، وجود علتی فراطبیعی را برای طبیعت اثبات نمود.

- 
1. William Lane Craig (1949- )
  2. *Kalam* Cosmological Argument
  3. Universe
  4. Metaphysical Argument
  5. Scientific Confirmation

در این مقاله، از یک طرف، برهان کریگ و ادله فلسفی آن تقریر شده<sup>۶</sup>، تحلیل و ارزیابی می‌شوند؛ و از طرف دیگر، با استفاده از حرکت جوهری، دلیلی در جهت تقویت این برهان اقامه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** برهان کیهان‌شناسی کلامی، حدوث عالم، نامتناهی بالفعل، حرکت جوهری، معلولیت.

---

۶. طرح و بررسی تأییدات تجربی کریگ، نیازمند بحثی پیرامون نحوه ارتباط و تعامل نظریات علمی و فلسفی خواهد بود که با ضمیمه شدن به اصل بحث از این تأییدات، به مجالی در حدّ یک مقاله مستقل نیاز خواهد داشت.

## مقایسه پلورالیسم انفصالی و ارتباطی و دیدگاه ویتگنشتاینی و گادامری

جهانگیر مسعودی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

ja\_masoodi@yahoo.com

زهرا زهانی زهان

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد

zahanizahra@yahoo.com

### چکیده

یکی از اصلی‌ترین مسائل که در دوران حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است مسأله پلورالیسم است. ویتگنشتاین و گادامر دو تن از فیلسوفانی هستند که به بحث از پلورالیسم پرداخته‌اند با این تفاوت که ویتگنشتاین فرهنگ‌ها را بازی‌های زبانی‌ای می‌داند که نمی‌توان بین آنها تعامل و گفتگو برقرار کرد و از نظر وی برای درک یک فرهنگ باید به درون آن برویم و در واقع باید آن بشویم تا آن را بفهمیم؛ ولی گادامر در عین حالیکه پلورالیسم فرهنگی را می‌پذیرد، قائل به گفتگو است و ارتباط فرهنگی را امکان‌پذیر می‌داند؛ از نظر گادامر، میان اثر هنری و مخاطب (مفسر) می‌تواند گفت‌وگویی شکل بگیرد که در نهایت به امتزاج افق‌ها و رسیدن به افق معنایی جدیدی منجر شود.

جستار حاضر به بیان مسأله پلورالیسم از منظر این دو فیلسوف می‌پردازد. این مسیر را با بیان مبانی فلسفی هر یک پی‌خواهیم گرفت، نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین

و نظریه گفتگو و دیالوگ در گادامر. مبانی متفاوت در این دو فیلسوف به دو نوع نظریه پلورالیسم می انجامد. می توان یکی از این دو نوع را پلورالیسم انفصالی و دومی را پلورالیسم ارتباطی نامید که نتایج بسیار متفاوتی را برای علوم انسانی - اجتماعی و همینطور علوم دینی پدید می آورد.

**واژگان کلیدی:** پلورالیسم، گادامر، ویتگنشتاین، امتزاج افق‌ها، بازی‌های زبانی.

## وجه شناخت‌شناسانه‌ی پیروزی ایمان دینی بر عقل ایمان‌گریز در جدال روشن‌اندیشی با دین

میشم سفیدخوش

عضو هیأت علمی گروه فلسفه و کلام دانشگاه شهید بهشتی تهران

فیلسوفان و اندیشمندان دوره‌ی روشن‌اندیشی بخش از هویت خود را بر تلقی تقابلی‌شان از دین استوار ساختند. هرچند تلقی تقابلی آنها از حیث میزان و کیفیت یک‌دست و هم‌ارز نیست و در مواردی حتی به بیان روشن و آشکاری از کنارگذاری دین منجر نشده، ولی نفس تقابل به عنوان پیامدی از استقلال فلسفه از دین در این دوره محرز است. اکنون پرسشی در میان است و آن اینکه آیا تقابل مورد ادعای این اندیشمندان در دوره‌ی خودشان و در نظام فکری خود آنها آیا به پیروزی تمام‌عیار عقل بر دین و ایمان دینی انجامیده یا ایمان دینی نه تنها دچار چنان شکستی نشده بلکه توانسته است خود را در اندیشه‌ی روشن‌اندیشی بازتولید هم بکند؟. برای اینکه بتوان به این پرسش پاسخی اولاً انضمامی و روشن و ثانیاً فلسفی و نه شخصی داد (یعنی بحث را معطوف به زندگی شخصی اندیشمندان یا تقرر عمومی دین در میان توده‌ی مردم نساخت) می‌توان شناخت‌شناسی روشن‌اندیشانه را از این زاویه مورد بازخوانی قرار داد. به نظر می‌رسد که این بازخوانی نشان دهد که پایه‌های شناخت‌شناسی روشن‌اندیشانه به رغم ادعای ظاهریشان بسیار متأثر از تلقی دینی - ایمانی هستند. این مدعا در صورت اثبات به نوبه‌ی خود نشان‌دهنده‌ی نیروی ایمان دینی در مواجهه با

عقل روشن‌اندیشانه است. این مقاله برای تبیین مدعا نگاهی به تحلیل اندیشمندان رومانتیک از شناخت‌شناسی روشن‌اندیشانه و نیز بررسی ماهیت دین و بویژه دین ایجابی و شرایط مواجهه‌اش با عقل خواهد انداخت تا در نهایت تجربه‌ی تاریخی این مواجهه مورد ارزیابی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** روشن‌اندیشی، ایمان دینی، دین ایجابی، شناخت‌شناسی، امر نیاندیشدنی



## پیوند اخلاق مدنی، عقل محوری و دین بر پایه اندیشه برگسون

مهدی سلطانی گزار

کارشناس ارشد فلسفه و عضو انجمن فلسفه دین ایران

[msgazar@chmail.ir](mailto:msgazar@chmail.ir)

هانری برگسون (۱۸۵۹-۱۹۴۱)، فیلسوف فرانسوی، از پیشگامان فلسفه تحول‌گرا و از زمینه‌سازان مکتب فلسفه پویایی است. محور اصلی تفکر برگسون هستی‌شناسی و فلسفه حیات است اما در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه دین نیز دیدگاه‌های جالب توجه و تأثیرگذاری از خود بجا گذاشته است. او در کتاب «دو سرچشمه دین و اخلاق» به بررسی و تبیین دو گونه نظام اخلاقی و دو نگرش به دین پرداخته است: «اخلاق بسته» و «اخلاق باز» که به ترتیب با «دین پایا» و «دین پویا» متناظرند. اخلاق بسته به جوامع اولیه اختصاص دارد و اخلاق باز به جوامع مدنی و عقل‌محور. نظام مطلوب اخلاقی برگسون، همچون کانت، مبتنی بر عقل صرف نیست بلکه عقل سکوی جهش به مرتبه‌یی فراتر از عاطفه است. وظیفه عقل، به نظر او عبارتست از توجیه و مستدل کردن احکامی که از دیگر عوامل ناشی شده‌اند که مهمترین آنها دین، و از نظر برگسون مسیحیت، است. بنابراین، چنانکه اخلاق بسته مادون عقل بود، اخلاق باز فراتر از عقل است. اخلاق باز متکی بر عالی‌ترین درجه عاطفه یعنی عشق است. این اخلاق، عشق و طلب است نه تربیت و الزام. زیربنای چنین اخلاقی عشق به تمام بشریت است و به سعادت تمامی انسان‌ها می‌اندیشد.

مقاله حاضر تلاش دارد پیوند اخلاق، دین و عقل را در اندیشه برگسون تبیین کند و بر الگوهای بومی تطبیق نماید.

واژگان کلیدی: عقل محوری، نظام ایده‌آل، اخلاق باز، جامعه پویا، عاطفه، تکثر سلیقه، برگسون.

## نقد درون متنی کتاب دو سرچشمه اخلاق و دین

اصغر سلیمی نوه

دانشجوی رشته فلسفه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

و بورسیه دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

Email:pajohesh\_salimi@yahoo.com

### چکیده:

آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود، ایراد و اشکال گرفتن از یک کار یا اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده‌گیری است نه اشکال تراشی، بلکه علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد. معمولاً نقد را از سه جنبه نقد بیرونی، نقد درونی و تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌دهند. اما مهمترین عناصری که در نقد درون متنی مورد توجه قرار دارد عبارتند از: موضوع، سابقه پژوهش، محتوای تحقیق و ادبیات تحقیق. با توجه به این کارکردها از نقد درون متنی در این مقاله ضمن پرداختن به متن کتاب دو سرچشمه اخلاق و دین برگسون به دنبال آن هستیم تا ابتدا تحلیل محتوایی از این اثر ارائه دهیم و سپس آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. از آنجایی که این کار تاکنون هیچگونه سابقه‌ای در حوزه فلسفه دین و اخلاق نداشته است تلاش می‌شود در نقد به مؤلفه‌هایی که برگسون به آنها اشاره نموده است توجه گردد.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق بسته، اخلاق باز، دین ایستا، دین پویا، جامعه باز، جامعه بسته، عرفان

نسبت امر قدسی، هنر و تکنولوژی در شعر هولدرلین، با توجه به تفسیر هیدگر از آن

علیرضا سیفی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه شاهد

seifi\_ucm@yahoo.com

محمد علی رجبی

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، دانشکده هنر

زهرا صراف

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه امام صادق(ع)

#### چکیده:

هیدگر، با الهام از هولدرلین، عالم را متشکل از چهار ساحت می‌داند - زمین، آسمان، فانیان و قدسیان - با این توصیف که بودن بشر، یعنی حضور در عالم (عالم مندی) و این یعنی خانه کردن فانیان بر روی زمین. اما بر روی زمین از پیش یعنی زیر آسمان و هر دو اینها یعنی حضور در برابر قدسیان. این چهار ساحت به واسطه نوعی یگانگی آغازین جملگی به یکدیگر تعلق داشته و خاصیت آیینگی دارند به طوری که هر یک منعکس کننده سه دیگر است و نمی‌تواند فارغ از آنها باشد. در این مقاله با بررسی این ساحات چهارگانه در شعر هولدرلین و تفسیر هیدگر از آن، به این نتیجه می‌رسیم که در یک عالم دینی یا حتی اسطوره‌ای، این چهار ساحت در شئون مختلف زندگی انسان حضور دارند و به تعبیر هولدرلین «پر زلیاقت و لیکن شاعرانه، خانه می‌کند انسان بر این خاک (زمین)»؛ پر زلیاقت یعنی علم، تدبیر، صنعت، تکنولوژی

(البته در معنای اصیلش که تخته باشد) دارد و نیازهای مادیش را برآورده می‌کند، اما در عین حال شاعرانه (شعر که جوهر هنر و هنر هنرهاست) و هنرمندانه و در انس و صلح با طبیعت و دیگر انسان‌ها خانه می‌کند بر زمین - شاید معنایی عمیق از و غایت تعبیر پسا مدرن «توسعه پایدار». اما در عالم مدرن با فروپوشیدگی ساحت قدس و فراموشی نسبت های چهارگانه و محور شدن انسان (اومانیزم)، این نسبت ها به هم خورده و بی تعادلی حاکم می‌شود، گویی دیگر هیچ چیز سر جای خودش نیست، حتی دیگر انسان نیز انسان نیست چراکه اساساً بدون سه ساحت دیگر معنی ندارد. - و نه تنها به تعبیر نیچه خدا مرده است بلکه به تعبیر فوکو انسان خود نیز با کشتن خدایان کوه المپ، مُرد - و لذا انسان بی‌خانمان می‌شود و با علم و تکنولوژی سلطه جو بر طبیعت و عالم می‌گردد و سکونت شاعرانه بر زمین نایاب. و این همه بحران‌های معنوی و زیست محیطی و... پدید می‌آید.

**کلمات کلیدی:** امر قدسی، ساحت چهارگانه، هنر، شعر، تکنولوژی، سکونت شاعرانه

## فلسفه دین از منظر الهیات پویشی

رستم شامحمدی

استادیار دانشگاه سمنان

rshamohammadi@gmail.com

یکی از تأثیرگذارترین نظام‌های الهیاتی نیمه دوم قرن بیستم، الهیات پویشی است که در زیر مجموعه الهیات پست مدرن قرار می‌گیرد. این نظام الهیاتی که ریشه در اندیشه‌های پویشی آلفرد نورث وایتهد دارد و کسانی مانند هارتشورن، گریفین و کاب در گسترش و بسط آن نقش آفرینی کرده‌اند بر این اصل جهان‌شناسانه استوار است که جهان به منزله یک ارگانیسم زنده یکسره در حال پویش است. در این گستره ارگانیستی همه موجودات (از خداوند گرفته تا ذرات بسیار ریز جهان) به مثابه هستی‌های خلاق در شبکه‌ای درهم تنیده به کنش و واکنش و داد و ستد دائمی مشغول هستند.

متفکران پویشی بر مبنای نگرش پویشی فوق با تجدید نظر در مهم‌ترین مسائل کلام سنتی، مواضعی را در پیش گرفته‌اند که از مجموعه آنها می‌توان به فلسفه دین پویشی تعبیر کرد. محور فلسفه دین پویشی را شاید بتوان خدایی دانست که قدرتش یکسره ترغیبی است و هم واجد تعالی است و هم حال در جهان. خدایی که از یکسو ازلی و از دیگر سو وابسته به جهان است و یار و یاور شفیق عالم و آدم است. از مهم‌ترین مسائل فلسفه دین پویشی، تفسیری است که از عدل الهی عرضه کرده‌اند و طی آن بر مبنای محدودیت قائل شدن برای قدرت خدا، نفی آموزه خلق از عدم و

خلاق ذاتی تلقی کردن تمام موجودات، وقوع شر در جهان را به نحوی از خدا مبرا دانسته‌اند. افزون بر این مسئله در فلسفه دین پویشی با تحلیل جدیدی از رابطه علم و دین، حیات پس از مرگ، تجربه دینی و نگرش زیست محیطی روبرو هستیم.

**کلید واژه‌ها:** پویشی، خدا، علم و دین، عدل الهی، هستی‌های زنده

## تجربه عرفانی و تلقی عدمی از مفهوم خیر و شر

محسن شعبانی

کارشناس ارشد عرفان اسلامی

shabani@molana.ir

### چکیده:

درباره نسبت تجربه عرفانی و مفهوم شر دو دیدگاه متضاد وجود دارد. نخست، دیدگاه رایج کسانی، چون مارتین بوبر، آرتور دانتو، پل تیلیخ و دیگران، که معتقداند تجربه عرفانی عارف را به فراسوی همه تمایزات موجود میان مفاهیم دوگانه از جمله تمایز میان خیر و شر می برد. از این رو، و در پی تجربه وحدت آفرین عرفانی، عارف وجود شر در هستی را منکر می شود. دوم، دیدگاه کسانی است که تجربه عرفانی را الزاماً مستلزم فراروی از تمایز میان خیر و شر نمی دانند. مؤلف در این مقاله می کوشد تا ضمن بررسی تاثیر گونه های متفاوت تجربه عرفانی بر فهم مفهوم شر، به بیان دلالت های اخلاقی هر یک از این گونه های تجربه عرفانی بر مفهوم شر پردازد. سپس، با تاکید بر خصیصه وحدت بخشی در گونه ای از تجارب عرفانی مدعی می شود که چنین تجاربی الزاماً عارف را به فراسوی تمایز میان خیر و شر و سایر مفاهیم دوگانه اخلاقی می برد و صاحب آن تجربه را در مرتبه ای قرار می دهد که وجود خیر و شر، هر دو، را منکر شود. این دیدگاه به خلاف سایر دیدگاه های جایگزین نه در پی اثبات شر است و نه توجیه و تقلیل آن. بر اساس این نگاه، اساساً



نه تنها شر، بلکه خیری هم در جهان وجود ندارد. خیر و شر، مانند سایر مفاهیم دوگانه ارزشی، هر دو عدمی و ناشی از توهم‌اند و نه در عالم خارج و نه در ساحت ضمیر آدمی نمی‌توان از خیر و شر سراغ گرفت. در حقیقت، این نوع تجربه عرفانی وحدت‌گرا، موجد باور به مرتبه‌ای فراسوی حسن و قبح یا خیر و شر، اعم از طبیعی، اخلاقی و انسانی، است.

**واژگان کلیدی:** تجربه عرفانی، وحدت بی‌تمایز، خیر، شر

## تنفس با هوای مغالطه؟ نگاهی به مبانی و معضلات الحاد جدید

علی شهبازی

مدرس و پژوهشگر دانشگاه ادیان و مذاهب قم

### چکیده

در این مقاله، با بررسی دیدگاه‌ها و رویکردهای الحادی ملحدان جدید و با محور قرار دادن اندیشه‌های «سخن‌گویان» آن، داوکینز، دنت، هیچنز، هریس، که با الهام از مکاشفه یوحنا به «چهار اسب‌سوار» الحاد جدید معروف‌اند، نشان خواهیم داد که اندیشه‌ها و سخنان الحادی آنها بیش از آنکه «علمی» و فلسفی باشد، اولاً تبلیغاتی و عوام‌پسند و ثانیاً حاوی مغالطه‌های فراوان است. مثلاً:

طبیعت‌گرایی، اصلی‌ترین تکیه‌گاه ملحدان جدید است. آنها بدون اینکه دلیلی بر حقایق این مبنا اقامه یا بر استفاده از آن به‌عنوان یک اصل متعارف تصریح کنند، خطای دیگری مرتکب می‌شوند و آن عدم تفکیک میان دو معنای طبیعت‌گرایی است: طبیعت‌گرایی روش‌شناختی و طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی یا متافیزیکی. خطای آنها در این است که به روشی مغالطی طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی را از طبیعت‌گرایی روش‌شناختی نتیجه گرفته‌اند. از همین جا بر مبنای دیگری تکیه می‌کنند و آن تقلیل‌گرایی است.

آنها علاوه بر آن، از مغالطه‌های بسیاری نیز بهره می‌گیرند: ۱. یکی از مغالطه‌های مورد استفاده آنها مغالطهٔ چیزی نیست جز است. در این مغالطه که بر تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی استوار است، موجودی پیچیده را به یکی از اجزا یا مؤلفه‌های آن فرو می‌کاهند، مثلاً می‌گویند انسان چیزی جز ژن‌های خود یا ذهن چیزی جز مغز نیست. ۲. ملحدان در نقد خداباوری یا نفی ضرورت و آسمانی بودن دین، از مغالطهٔ پُرکاربرد دیگری به نام مغالطه منشأ یا مغالطهٔ ژنتیک استفاده می‌کنند. مثلاً در موارد فراوانی به جای استدلال در نفی خدا یا غلط بودن باور به خدا، اهتمام خود را مصروف چگونگی پدید آمدن چنین باوری می‌کنند. یعنی منشأ و چگونگی پیدایش باورها را با مسئلهٔ اثبات درستی یا نادرستی آنها را درهم می‌آمیزند. ۳. یکی دیگر از مغالطه‌های آشکار ملحدان آن است که از بیان چگونگی عملکرد یا مکانیسم رشد یک موجود، که کاری علمی و آزمایشگاهی است، نتیجه‌ای مابعدالطبیعی و فلسفی می‌گیرند، و آن اینکه این موجود و در نهایت کل نظام کیهانی مسبوق به هیچ برنامه و طرح قبلی و یا تحت هدایت هیچ عامل ماورایی نیست. سؤال اینجاست که آیا از مشاهدهٔ چگونگی یک فرآیند می‌توان نتیجه‌ای فلسفی و غیر تجربی گرفت؟ ۴. از نکات قابل توجه در اندیشه و کردار ملحدان جدید این است که آنها الحاد را به نوعی *ایدئولوژی مبارزطلب* تبدیل کرده‌اند، از این رو در نفی دین و خداباوری، به بنیادگرایان تمام‌عیاری تبدیل شده و از القای هرگونه لقب یا برچسب منفی ارزشی دربارهٔ خصم خود ابایی ندارند. ملحد را معادل «روشن و تابناک» و به طریق تلازم، خداباوران و مؤمنان را «تیره و تاریک» می‌خوانند. بر همین پایه است که مغالطهٔ رایج دیگری را مرتکب می‌شوند و آن اینکه اعمال منفی مؤمنان را در طول تاریخ، که در

مواردی شروری فراگیر را موجب شده است، دلیل نفی خدا یا شر بودن دین می‌گیرند. روشن است که عقلاً نمی‌توان اعمال نادرست شخص را دلیلی بر نفی ارزش صدق مدعیات و آرمان‌های او گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** الحاد جدید، طبیعت‌گرایی، مغالطه، بنیادگرایی، ایدئولوژی

آیا می‌توان در هرمنوتیک فلسفی مبنایی معرفت‌شناختی برای پلورالیسم یافت؟

امیرصادقی

کارشناس پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده:

این مقاله هم‌اصلی خود را بر تبیین جایگاه یکی از استوانه‌های تفکر مدرن غرب در نظام فکری پلورالیسم نهاده است، و در راستای این هدف می‌کوشد تا بجای رسم مألوف بررسی آثار و نتایج پلورالیسم که در تحقیقات و کتب رایج است، به یکی از اصلی‌ترین مبانی شکل‌گیری این مکتب فکری در جهان غرب بپردازد. با توجه به تحقیقات کتابشناسانه که با محور این طرح انجام شده، به نظر می‌رسد پیش از این چنین رویکرد مبنائی‌ای به پلورالیسم نشده و این موضوع خود باعث سردرگمی و بلانتیجه ماندن بسیاری از مباحثات و مجادلات در این زمینه بوده است. عمده‌ترین دلیل چنین مدعایی ملاحظه مقالات و کتب موجود در این حوزه است که عموماً بجای نگاه به مبانی شکل‌گیری نظریه به تأثیرات آن پرداخته‌اند. اما در این پژوهش تلاش بر این است که با نگاهی جدید به مسأله کثرت‌گرایی که گاه حتی در کتب فلسفه دین غربی از آن تحت عنوان معضل پلورالیسم یاد شده، بازخوانی جدیدی از صورت مسأله ارائه شود، که در پرتو آن راه‌های جدیدی برای پاسخ‌گویی به این معضل قدیمی در دانش نوخاسته فلسفه دین گشوده شود.

لذا هانس - گئورگ گادامر که یک مجموعه کامل و منقح از افکار افلاطون تا هیدگر را در نظریه خود جمع‌آوری کرده است، به عنوان تأثیر گذارترین متفکر هرمنوتیک بر لایه‌های مبنائی تفکر پلورالیستی غرب در کانون توجه این پژوهش قرار گرفته، و کوشش شده زوایای مباحث او مورد کنکاش قرار گیرد. نظریه جان هیک نیز که به‌عنوان نماینده تمام عیار مکتب پلورالیسم در جهان غرب شناخته می‌شود در مقام محور مباحث مرتبط با کثرت‌گرایی در نظر گرفته خواهد شد.

**کلیدواژگان:** کثرت‌گرایی، هرمنوتیک، جان هیک، گادامر، معرفت‌شناسی

## عقلانیت ایمان

هادی صادقی

عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث

### چکیده

معیارهایی برای عقلانیت بیان شده است، مانند: (۱) پیش فرض بودن الحاد؛ (۲) عقل‌گرایی حداکثری؛ (۳) علم زدگی و پوزیتیویسم؛ (۴) عمل‌گرایی پراگماتیسم؛ (۵) فقدان ادله مخالف.

هیچ یک از معیارهای یاد شده درست نیست. عقلانیت نسبی است؛ از این رو، معیارهای متفاوتی پیدا می‌کند. گوا اینکه ماهیت عقلانیت متفاوت نمی‌شود و در آنجا نسبییت راه ندارد. نسبییت عقلانیت، مطلق نیست و در نسبت با هر فرد معیار مخصوص برای عقلانیت وجود ندارد، بلکه نسبییت نوعی است. نسبییت عقلانیت در نسبت با امور مختلفی سنجیده می‌شود از جمله: وسع یا مقدورات فاعل، شرایط و جهان ممکن که در آن زیست می‌کنیم، دسترس‌پذیری منابع عقلانیت و خود فعل.

عقلانیت/ارزش - وسیله/ی: عبارت است از به کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف مناسب، در زمینه اعمال، باورها یا ارزش‌ها.

ایمان هم در لغت و هم در اصطلاح الهی دانان به معنای تصدیق، در برابر تکذیب، به کار رفته است. این تصدیق، فعلی اختیاری و کار قلب است. ایمان غیر از علم و معرفت است، در عین حال با شک قابل جمع نیست و نیازمند باور است.

در عقلانیت ایمان دو چیز دخالت دارد: یکی عقلانیت باور به خدا و دیگری عقلانیت تصدیق قلبی. عقلانیت باور به وجود خدا از همان معیارهای عام عقلانیت باور پیروی می‌کند و عقلانیت تسلیم و تصدیق قلبی از معیارهای دیدگاه زندگی به اضافه یک معیار اصلی دینی که در مجموع چهار معیار کفایت وجودی، کفایت انسانی، کفایت اخلاقی و کفایت دینی را دارد.

برای عقلانیت خداباوری نیازمند شواهدیم. خداشناسی توحیدی در عرصه‌های مختلف قدرت تبیین‌گری دارد. نظم حاکم بر جهان، روح انسان و وقوع حوادث خارق العاده برخی از عرصه‌هایی‌اند که خداشناسی توحیدی به‌طور انحصاری امکان تبیین آنها را دارد. افزون بر آنچه ذکر شد، خداشناسی توحیدی از مزیت همگانی بودن و قابل فهم بودن برای همه مردم و سازگاری با شرایط روحی و ذهنی اقشار مختلف برخوردار است.

عقلانیت تصدیق قلبی در گرو کفایت‌های چهارگانه است. کفر نیز به عنوان یک دیدگاه زندگی که جایگزین ایمان می‌شود، باید بتواند آن چهار معیار را برآورده سازد و گرنه غیرعقلانی است.



## برهان تنظیم دقیق و «خدای خلأها» بررسی یکی از اشکالات بر برهان تنظیم دقیق

یحیی صباغچی

دانشجوی دوره ی فلسفه دین، دانشگاه قم

ysabbaghchi@gmail.com

### چکیده

برهان تنظیم دقیق که تقریر جدیدی از برهان نظم است و از شواهد علمی جدید و روشهای منطقی نوین بهره می‌گیرد، مبتنی بر تشابه عالم هستی با مصنوعات بشری و یا نظم کلی عالم طبیعت (به عنوان یک مقدمه کیفی) نیست تا مورد تهدید اشکالات مطرح شده بر برهان نظم واقع شود. بلکه صرفاً مبتنی بر نوعی نظم کمی دقیق در عالم هستی است که در طی پیشرفتهای علمی اخیر آشکار گشته و در این تقریر از برهان نظم به عنوان مقدمه برهان به کار گرفته شده است.

پیشرفت‌های علمی اخیر نشان می‌دهد که برخی ثابتهای فیزیکی یا شیمیایی و نیز برخی قوانین مربوط به این علوم باید دارای مقادیر یا حدود کاملاً ویژه‌ای باشند تا حیات موجودات به نحو فعلی ممکن باشد، و این ثابتها و قوانین به دقیق‌ترین شکل ممکن از این تنظیم برای ممکن بودن حیات برخوردارند. وجود شواهد متعدد از این تنظیم‌های دقیق در کمیته‌ها و قوانین فیزیکی و شیمیایی مقدمه‌ای شده است برای اثبات وجود خداوند به عنوان معقول‌ترین و محتمل‌ترین راه توضیح این دقت تنظیم.

در دنیای امروز برهان دقت تنظیم معمولاً به صورت یک استدلال احتمالاتی مطرح می‌گردد که بر اساس شواهد موجود در مقدمات، ثابت می‌کند نظریه مطلوب آن بسیار محتمل‌تر از نظریه رقیب است. کسانی مانند ریچارد سویین برن، سوبر، کرگ و دمسکی به این شکل از این برهان معتقدند.

در برابر این استدلال، اشکالاتی مطرح شده است. یکی از اشکالاتی که فیزیکدانانی مانند ویکتور استنگر بر این برهان مطرح می‌کنند آن است که این برهان تنها از ضعف علمی ما استفاده کرده، هر جا که قانون علمی مشخصی را برای توضیح علت این تنظیمهای دقیق بدست نیاورده‌ایم، خدا را مطرح می‌نماید و آن را از راه خدا توضیح می‌دهد. یعنی خدایی که در این برهان ثابت می‌شود، خدای خلأها (God of the Gaps) است و مطرح شدن او هم تنها به سبب ضعف علم است در توضیح شواهد مورد اشاره. لذا هرگاه بتوانیم قوانین علمی بیشتری را کشف کنیم، مجال کمتری را برای خدا خواهیم یافت.

در مقابل این اشکال، در این مقاله نشان داده خواهد شد که می‌توان تقریری از برهان تنظیم دقیق ارائه نمود که در آن، خدا تنها در خلأهای علم تجربی ثابت نگردد و برهان با کشف قوانین علمی بیشتر، آسیبی نبیند. در این تقریر، از ریاضیات احتمالات برای اثبات معقول‌تر و محتمل‌تر بودن وجود خداوند بر اساس شواهد تنظیم استفاده خواهد شد. بر اساس این نوع تقریر، خدای اثبات شده از طریق برهان تنظیم دقیق، خدای خلأها نخواهد بود.

به علاوه بیان خواهد شد که همین تقریر بر اساس رویکرد قرینه‌گرایی در مبانی معرفت‌شناسی می‌تواند یک اثبات قطعی (و نه احتمالی) برای مطلوب خود به شمار آید.

## پدیدارشناسی زیست هنری به مثابه دین ورزی

مهدی صدفی

دانشجویی حکمت متعالیه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Mahdi.sadafi@gmail.com

### چکیده:

روش پدیدارشناختی با محوریت اصل بازگشت به خود اشیا و بودن در قرب آن سودای آن دارد که بی واسطه از ذات زیست هنری مومنانه پرسش کند. آنچه متناسب روش و رهیافت پدیدارشناسی است، درک حضوری و شهودی از نحوه زیست انسان دین ورز است، طوری که کاشف از سیلان زنده تجربه بالفعل او در زندگی هنری باشد. این درک از طریق احضار و التفات به زوایای زندگی مؤمن و نگرش او به عالم به مثابه کانون تجلیات الهی، در مراحل متوالی و پیوسته، مورد تصحیح و بازتجربه قرار می‌گیرد.

هنر در اینجا نوعی بیان و آشکارسازی معنادار، بی واسطه و پیشامفهوم زندگی انسان است که زمینه را برای تجربه زیست اصیل او فراهم می‌کند. انسان اصیل یا مومن با زیست هنری خود «در کار - نشاندن - حقیقت» است و رخصت می‌دهد تا هستی افتتاح یابد و عالم تسویه گردد تا زمینه برای تابش پرتو قدسی خداوند آماده گردد. به عبارتی دیگر زیست هنری همان شاعرانگی است، طوری که با خواست زبان تسویه شده و توجهی که به منبع فیض دارد، هم راستا با نسبت وجودیش به پیکار با پوشیدگی می‌پردازد تا آشکارگی را در عالم تقوم بخشیده و آن را گشوده‌تر دارد.

بنابراین در این زیست هنری و سیال، هر پرتو از حقیقت به نحوی به زندگی معنا می‌دهد و همچون تجربه ی زنده ای است تا زمینه ای فراهم کند که اسماء حسنا ی الهی، در وفاقی که بین تجلیات متکثر در عالمی گشوده رخ می‌دهد، معنای دوباره‌ای یابند.

**کلیدواژگان:** پدیدارشناسی هرمنوتیکی، زیست هنری، هنر دین ورزانه، امر قدسی

## نسبت میان غایتمندی و معنای زندگی در فلسفه ابن سینا

فائزه عابدکوهی

کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات تهران

دورویکرد، مهمترین دیدگاههای دفاع از معناداری زندگی محسوب می شوند. یکی خداباوری است که حتی منتقدان معناداری نیز آنرا بنیاد اصلی تفکر خداباوران تلقی کرده ورد آنرا بمثابة رد نظریه معناداری برشمردند، و دیگری نظریه غایتمندی است که کمتر مورد توجه و مذاقه واقع شده است. مقاله حاضر می کوشد تا نشان دهد اولاً "غایتمندی" می تواند همطراز با "خدا باوری" دیدگاهی بنیادین در دفاع از معناداری محسوب شود و ثانيا چنین نیست که مخالفان معنای زندگی ادعا کرده اند با رد باور به خدا بتوان معناداری را بطور کلی نقد ورد کرد.

در فلسفه اسلامی، ابن سینا بر غایتمندی توأم با خدا باوری به دفاع از معناداری حیات می پردازد در حالیکه فیلسوفان پس از وی و بنحو خاص ملاصدرا تنها بر خدا باوری تاکید می ورزند. در مقاله حاضر نشان خواهیم داد که با تبیین درست غایتمندی و نسبت آن با معنای زندگی از دیدگاه ابن سینا می توان اشکالات جدی مخالفان همچون تدئو متز را پاسخ داد.

**کلید واژه ها:** ابن سینا، غایتمندی، معنای زندگی، خدا باوری، نقدها

## بررسی نظریه طراحی هوشمند و چالشهای آن با نظریه تکامل (آیا نظریه طراحی هوشمند یک نظریه صرفاً علمی است؟)

هاله عبداللهی راد

دانشجوی فلسفه دین - دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران

### چکیده

نحوه شکل‌گیری جهان و موجودات زنده و چگونگی آفرینش اجزای کیهانی از دیرباز دغدغه فکری مهمی برای فلاسفه و دانشمندان بوده است. جستجوی منشاء حیات و علت پیچیدگی‌ها و شگفتی‌های عالم خلقت، گروهی از اندیشمندان و به خصوص اهل ایمان را بر آن داشت تا در جهت اثبات وجود یک عامل هوشمند و مافوق طبیعی در طراحی موجودات عالم استدلال کنند. از این‌رو برهان نظم و تقریرهای متنوعی از این برهان شکل گرفت که بیان می‌داشت پدیده‌های عالم خلقت نشان از وجود ناظمی با شعور دارد. استدلال‌ها بر وجود ناظمی هوشمند به دو شکل نقلی و غیر نقلی مطرح شد.

با ظهور نظریه تکاملی داروین نه تنها ساختار اصلی برهان نظم بلکه اساساً وجود هر نوع طراح و طراحی در ساختار موجودات زنده زیر سوال رفت. چرا که نظریه تکامل وجود هر نوع اراده و طرح از پیش تعیین شده‌ای را در شکل‌گیری موجودات عالم نفی می‌کرد و جریانات طبیعی از جمله جهش و انتخاب طبیعی را عامل طراحی ساختار موجودات زنده معرفی می‌کرد.

گروهی از اندیشمندان، تقریر جدیدی از برهان طرح و تدبیر در عالم را با تکیه بر یافته‌های علمی جدید ارائه نموده اند که با نام نظریه طراحی هوشمند (ID) شناخته شده است. چالش‌هایی که امروزه طرفداران طراحی هوشمند با آنها دست به گریبانند بیشتر حول این مسئله است که تکامل‌گرایان ایشان را متهم به غیر علمی بودن می‌کنند و حتی استدلال‌ات علمی آنها را نیز ناشی از صبغه دینی و احساسات مذهبی برمی‌شمارند. در این نوشتار ابتدا تبیینی کلی از مبانی اصلی برهان نظم و تقریرهای جدید آن ارائه شده و مدعیات اصلی نظریه تکامل و همچنین نظریه طراحی هوشمند مطرح گردیده است. همچنین چالش‌های اصلی بین مدافعان این دو دیدگاه مطرح شده و این سوال اساسی مورد بحث قرار خواهد گرفت که آیا نظریه طراحی هوشمند همانگونه که مدافعان آن معتقدند بواقع یک نظریه علمی صرف و فاقد پیش‌فرض‌های دینی بوده و می‌تواند بدیلی برای نظریه تکامل قرار گیرد؟ و اینکه آیا اصولاً می‌توان بدون اتکا به باورهای دینی در جهت اثبات عاملی هوشمند در پس جریانات زیستی در عالم استدلال کرد؟ در این نوشتار سعی شده است این مسائل در حد امکان مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظریه تکامل - طراحی هوشمند - طرح و تدبیر - نظم - پیچیدگی - علم و دین

## بررسی و تحلیل برهان تجربه دینی از دیدگاه فردریک شلایرماخر

ولی اله خوش طینت

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور و رئیس پیام نور استان اردبیل

اکرم عسگرزاده مزرعه

دانشجوی ای فلسفه دین دانشگاه پیام نور و دانشگاه محقق اردبیلی

Akram\_asgarzadeh@yahoo.com

محمد غفاری

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

### چکیده:

برهان تجربه دینی صورت‌بندی شده توسط فردریک شلایرماخر حاصل سنت حاکم بر ارتباط خدا با انسان در دین مسیحیت می‌باشد. با توجه به تعریف دین مسیحیت از ارتباط انسان و خدا، برهان تجربه دینی شکل می‌گیرد. از نظر شلایر ماخر این برهان با توجه به مبتنی بودنش بر تجربه دینی که از سنخ احساس است مصون از خطا می‌باشد. در حالیکه این برهان بمانند برهان وجود شناختی از مفهوم خدا به اثبات عقلانی وجود خدا در جهان خارج رسیده است. حاصل تجربه دینی، معرفت است، معرفتی که در شکل‌گیری آن عوامل غیر معرفت‌شناختی مثل عوامل عمل شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأثیر دارد و توسط توجیهات عقلانی در سنت مبنای گروهی، مستدل می‌شود. درک رابطه علیت و معلولیت و خالقیت و مخلوقیت می‌باشد که این رابطه، رابطه‌ای انتزاعی و عقلانی است. مبانی و مقدمات برهان تجربه



دینی برخلاف مدعا مصون از خطا و اشتباه نمی‌باشد و بمانند تمامی باورهای پایهٔ عقلانی و تجربی در معرض خطاست. با آنکه ساحت شکل‌گیری باور دینی در تجربه دینی ساحتی غیر از عقل و عمل می‌باشد، بالاتر از آنها و دور از دخالت عقل و عمل نیست.

**کلید واژه:** برهان تجربه دینی، شلایرماخر، برهان وجود شناختی، معرفت، عقل، عمل، احساس.

## معاد جسمانی و نظریه بازسازی بدن

هدایت علوی تبار

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

درباره کیفیت زندگی پس از مرگ نظریات گوناگونی بیان شده است. یکی از این نظریات، که در ذیل معاد جسمانی قرار می‌گیرد، نظریه «بازسازی بدن» است. براساس این نظریه، خدا در حیات اخروی بدن انسان را بازسازی یا مجدداً خلق می‌کند. قایلان به این نظریه به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند زیرا برخی معتقدند که بدن اخروی عین بدن دنیوی است و برخی دیگر بدن اخروی را مثل بدن دنیوی می‌دانند. دسته اول برای توجیه عینیت میان دو بدن سه راه را مطرح کرده و بر همین مبنا به سه گروه تقسیم شده‌اند. گروه اول بدن اخروی را اعاده بدن معدوم شده دنیوی گروه دوم حاصل جمع اجزاء بدن دنیوی (همه اجزاء یا فقط اجزاء اصلی) و گروه سوم نتیجه رشد یک جزء از اجزاء بدن دنیوی می‌دانند. دسته دوم که بدن اخروی را مثل بدن دنیوی در نظر می‌گیرند در خصوص جسمانی یا روحانی بودن آن اختلاف نظر دارند و از این جهت به دو گروه تقسیم می‌شوند.

## «مسئله شرور بی وجه»

امیرعباس علی زمانی

برهان قرینه‌ای شرّ، که مدّعی توجیه یا مقبولیت باور به خدا در پرتو قرینه و شاهد شرّ است، به یکی از سه روایت تقریر شده است:

E<sub>1</sub>: شرّ وجود دارد

E<sub>2</sub>: میزان زیاد، انواع کثیر و توزیع نامتوازن و گیج‌کننده‌ای از شرور در جهان وجود دارد

E<sub>3</sub>: شرور بی‌وجه وجود دارند.

ویلیام رو، سعی کرد با استفاده از مثال «بچه گوزن» سوخته شده در شکاف درخت بر اثر صاعقه آسمانی (نمونه‌ای از شرّ طبیعی)، نمونه‌ای از شرور بی‌وجه را به‌نمایش بگذارد که به‌طور ضروری به هیچ خیر بزرگتری منتهی نشده و یا مانع دفع شرّ بزرگتری نیست.

طرفداران این شیوه استدلال تلاش می‌کنند نشان دهند که:

۱. اگر خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه محض وجود داشته باشد، نباید

هیچ شرّ بی‌وجهی در جهان وجود داشته باشد.

۲. ولکن نمونه‌هایی از شرور ظاهراً (آشکاراً) بی‌وجه در جهان وجود دارد.

بنابراین ۳- خدای عالم مطلق، قادر مطلق و خیرخواه محض وجود ندارد.

در مواجهه با دیدگاه‌های «رُو» و سایر هم‌مشربان او باید بین دو مفهوم تفکیک نمود:

۱. شرور «واقعاً بی‌وجه»

۲. شرور «ظاهراً بی‌وجه»

نمونه‌هایی که ویلیام رو بر آنها انگشت تأکید نهاده است از قبیل دسته دوم هستند که از «نظر ما انسان‌های عادی در شرایط کنونی بی‌وجه می‌نمایند» ولی هیچ ملازمه‌ای بین شرور ظاهراً بی‌وجه و شرور واقعاً بی‌وجه وجود نداشته و چه بسا بسیاری از امور در گذشته در نزد ما و با توجه به داده‌های محدود ما بی‌وجه می‌نموده که با گسترش افق معرفتی ما انسان‌ها وجوه پنهان آن‌ها آشکار شده است. (ما همه تصویر را نمی‌بینیم)

ویلیام رو برای اثبات مطلوب خود یا باید:

الف: ملازمه بین شرور نوع اول و دوم را اثبات نماید

و یا ب: اثبات کند که دانش ما به اندازه‌ای کافی و وافی است که در صورت ندیدن وجهی، حکم به نبودن آن وجه در واقع نماید.

و یا ج: نشان دهد که خدا موظف است که هر شری که دارای وجهی واقعی است ما انسان‌ها را از آن وجه واقعی آگاه نماید تا در صورت نبود چنین آگاهی ما حکم کنیم که هیچ وجهی واقعی وجود ندارد. و ۱\_ او از اثبات این مقدمات عاجز بوده و ناتوان از اثبات مدعای خویش است.

## تئودیسه پرورش روح جان هیک و نقد دی. زد. فیلیپس بر آن

امیرعباس علیزمانی

استادیار گروه فلسفه دین دانشکده الهیات دانشگاه تهران

اکرم خلیلی

دانشجوی ای فلسفه دین و مسائل کلامی جدید،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Khalili\_61@isuw.ac.ir

### چکیده

در میان راه حل‌های مطرح شده در خصوص مسأله شر، «تئودیسه پرورش روح» از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که جان هیک، فیلسوف دین معاصر مسیحی، آن را در کتاب خدای عشق و مسأله شر<sup>۷</sup> ارائه و تبیین نموده است. هیک در این راه حل هم به شرور اخلاقی پاسخ می‌دهد و هم به توجیه شرور طبیعی می‌پردازد. وی برای پاسخگویی به مسأله شر به مراحل دوگانه خلقت انسان اشاره می‌کند که عبارتند از صورت خدا و شباهت به خدا. به نظر هیک شرور اخلاقی لازمه مختار بودن انسان است. انسان اولیه و همه فرزندان او در جهانی که موهوم حس دوری از خداست واقع شده‌اند. هیک از این حس با عنوان فاصله معرفتی از خداوند یاد می‌کند. قرار گرفتن انسان در این محیط سبب می‌شود او با برخوردارگی از نعمت اختیار مرتکب شرور اخلاقی یا گناه شود. از سوی دیگر شرور طبیعی لازمه رشد و تعالی روح انسان است. این شرور به انسان کمک می‌کند تا فضایی از قبیل شجاعت، گذشت، صبر و

---

7. The god of Love and the Problem of Evil

همدردی را کسب کند و به تدریج به شباهت به خدا برسد. به نظر هیک هیچ انسانی به جز مسیح، در این جهان به کمال نهایی یعنی شباهت به خدا نمی‌رسد، بلکه انسانها پس از مرگ در چرخه زندگی‌های متعدد قرار گرفته و پس از طی آنها به خیر نهایی و شباهت به خداوند می‌رسند. این ایده از سوی برخی از متفکرین از جمله دی.زد. فیلیپس مورد بررسی و نقادی واقع شده‌است. آنچه محور نقادی فیلیپس واقع می‌شود، وجود رنج‌های بی‌وجه و گزافی هم‌چون جنگها، نسل‌کشیا و بلایای سنگین و خانمان سوزی است که در جریان تاریخ رخ می‌نماید. از نظر فیلیپس این شرور نه تنها در پرورش روح انسانها نقشی ندارند بلکه خیرخواهی خداوند را زیر سؤال می‌برد. هرچند فیلیپس اشکالات متعددی را بر نظریه پرورش روح وارد می‌داند، اما به نظر می‌رسد آنچه فیلیپس را از پذیرش کلی این نظریه باز می‌دارد، عدم ارائه‌ی پاسخ جامع و کافی در حوزه رنج‌های بی‌وجه و گزاف است. به نظر نگارنده هر چند هیک توانسته تا حدودی این شاخه از رنج‌ها را با اتکاء به بعد آخرت شناختی موجه سازد، اما باز هم نمی‌تواند فیلیپس را در توجیه آن متقاعد نماید؛ زیرا مبنای مهمی که هیک برای توجیه رنج‌های مذکور بدان متوسل می‌شود، هرگز مورد پذیرش فیلیپس نیست.

**واژگان کلیدی:** تئودیهسه، پرورش روح، شرور اخلاقی و طبیعی، درد و رنج، رنج‌های بی‌وجه و گزاف، جنبه آخرت شناختی

## رویکردی تطبیقی در بررسی جایگاه و منزلت عقل در باورهای دینی

جواد غفاری

استادیار دانشگاه علم و صنعت

### چکیده

شکی نیست که عقل در آموزه‌های دینی جایگاهی شگرف و مقدسی دارد. در مباحث فقهی و احکام، یک پایه اصلی استنباط و استدلال احکام دینی است؛ و در مباحث اعتقادی، اندیشه‌ای و معرفتی، رکن و ستون اصلی باورهای دینی را تشکیل می‌دهد تا آن حد که اعتقاد بدون تعقل و اندیشه امری باطل و بیهوده تلقی می‌شود. و همچنین در مباحث اخلاقی، اساس و بنیان نظام اخلاقی مطلوب، بر تعریف و تبیین مناسب از آن استوار است و در واقع مفهوم کلیدی در ساختار آن محسوب می‌شود. در حالیکه مکاتب و فلسفه‌های غیردینی و سکولار که خود را مدافع عقل و عقلانیت در تمام حوزه‌های معرفتی بشر می‌دانند یا در دام تفسیر و تبیین ابزاری هیوم از عقل گرفتار شده‌اند و عقل را برده‌ای در خدمت انفعالات نفسانی، امیال و شهوات قرار داده‌اند. و یا مبهور نگاه محدود کانت از عقل شده‌اند و یا جایگاه عقل را در حد توجیه و تفسیر تجربیات و حسیات تنزل داده‌اند تا اینکه در نگاه نسبیت‌گرایانه به نفی عقل منجر شده است. و حال آنکه دین عقل را نور می‌داند و وجودی راهنما برای خوبی و بدی و مدال افتخار، امتیاز و شرافت انسان از سایر موجودات زمینی می‌باشد. وحی در پرتو نور آن فرصت هدایت و دلالت پیدا می‌کند و با وجود آن است که تلقی به

قبول می‌گردد. با این اوصاف کدام مکتب و مسلک فکری نسبت به حفظ جایگاه و ارزش عقل اهتمام داشته است؟

مفاهیم کلیدی: عقل - عقلانیت - وحی - دین - عقل ابزاری - عقل تجربی - عقل نظری - عقل عملی - عقل دینی - تفسیرکانتی عقل



## وحی و تجربه‌ی دینی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و سروش

محمد حسین فصیحی

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی؛ مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)؛ قم

### چکیده

یکی از تحلیل‌ها درباره‌ی وحی، تجربه‌ی دینی انگاشتن آن است. برخی از متفکران بر این اساس معتقد بودند که وحی همان تجربه‌ی دینی است و اگر انبیاء به درجه‌ی نبوت رسیده‌اند، نتیجه‌ی اندوخته‌های دینی و مذهبی آنان است و در واقع وحی در تجربه‌ی دینی خلاصه شده است و از همان سنخ است. این دسته از متفکران اسلامی که کوشیده‌اند تا پیوند و ارتباطی میان وحی و تجربه‌ی دینی ایجاد نموده و حتی آن دو را از یک سنخ بدانند، به نظر می‌رسد که دیدگاهشان بیش از آن‌که با مذاق حکما و متکلمان اسلامی سازگار باشد، از اندیشه‌ی متفکران غربی متأثر است.

سروش نیز به تبع اینان معتقد است که وحی همان تجربه‌ی دینی و الهام است و این دو، همان تجربه‌های شاعران و عارفان استو نیز وحی، تابع پیامبر است و فرهنگ، شخصیت و دانش نسبی پیامبر در ارائه‌ی مفاد وحی تأثیر می‌گذارد و وحی را خطاپذیر می‌سازد.

در مقابل این دیدگاه، اندیشه‌ی دیگری وجود دارد که این دو مفهوم را کاملاً از یکدیگر تفکیک می‌کند. بیشتر حکما و متکلمان اسلامی معتقدند که هیچ مقوله‌ای نمی‌تواند جای‌گزین مفهوم «وحی» گردد و تلقی «تجربه‌ی دینی» هرگز نمی‌تواند با «وحی» مرادف باشد. آیت‌الله جوادی آملی نیز همین نظر را دارد و معتقد است: وحی

با تجربه‌ی دینی و حتّی با تجربه‌ی عارفان نیز متفاوت است و همچنین در وحی،  
خطا راه ندارد و تابع پیامبر(ص) نیست.

**کلید واژه:** وحی، تجربه، دین، تجربه‌ی دینی،، مکاشفه‌ی عرفانی، الهام، سرّوش،  
جوادی آملی.

## استعاره‌های مفهومی و اوصاف الهی

علیرضا قائمی‌نیا

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

### چکیده:

یکی از دیدگاه‌های رایج در علوم شناختی نظریه استعاره مفهومی است. این نظریه در بسیاری از حوزه‌ها از جمله مطالعات دینی و فلسفه دین تأثیر فراوانی برجای گذاشته است. بر طبق آن استعاره در درجه اول نه به زبان بلکه به نحوه اندیشیدن بشر مربوط می‌شود و تفکر اساساً خصلت استعاری دارد. نگارنده نخست به تبیین این نظریه و بیان تفاوت آن با دیدگاه سنتی درباب استعاره پرداخته است و سپس تأثیر آن در مسأله اوصاف الهی را بیان کرده و با استفاده از آن نظریه‌ای جدید درباب اوصاف الهی مطرح کرده است.

## امکان گفتگوی اسلام با مسیحیت از دیدگاه هانری کربن

اعظم قاسمی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده:

از دیدگاه هانری کربن فلسفه صرفاً بیان وضعیت اجتماعی یک دوره نیست بلکه مبتنی بر الهیات است و بدون الهیات دستخوش حوادث تاریخ خواهد شد. الهیات هم وابسته به جنبش‌های اجتماعی نیست بلکه وابسته به عوالم معنوی است و باید به کشف و بررسی این عوالم همت بگمارد. وی منتقد روش تاریخی‌گری است به این دلیل که در این رویکرد به خود پدیدارها و معنای استعلایی پدیدارها توجه نمی‌شود و به این ترتیب به فراتر از این جهان مادی نمی‌رود و از درک حوادث عوالم فراتر از دنیای تجربه عاجز است در حالی که وی اعتقاد داشت ادراک شهودی، شهود امور در ملکوت است. کربن به زمان انفسی یا قدسی نیز معتقد است و این که حوادث مربوط به آن در عالم ملکوت رخ می‌دهد. در این حوادث دیگر تعاقب و توالی در کار نیست. به باور وی حتی حقیقت و حقانیت دین اسلام در واقعیت تاریخی آن نهفته نیست بلکه به واقعیت و رای تاریخ تعلق دارد. ارسال متوالی پیامبران دایره نبوت را ایجاد کرد. پیامبران ظاهر شریعت را بیان کردند ولی درک معنای حقیقی شریعت به عهده فیلسوف است.

روش کربن پدیدارشناسی است. وی پدیدارشناسی به معنای مورد نظر خود را را معادل کشف‌المحجوب و تأویل دانسته است. هرمنوتیک کلیدی برای فهم باطن است و موفقیت آن به آشکار کردن امر درونی است. هرمنوتیک شکل خاص فعالیت پدیدارشناس است. او کاربرد هرمنوتیک را به حوزه عرفان شیعی، عرفان مسیحی و عرفان یهود بسط داد. از نظر وی تنها با روش پدیدارشناسانه می‌توان بین اسلام معنوی (که از دیدگاه او عمیقاً با اسلام رسمی که مذهب اکثریت مسلمانان است تفاوت دارد) با مسیحیت معنوی گفتگو برقرار کرد. اما مسیحیت رسمی و اسلام رسمی خود را بر حق می‌داند و دیگری را نفی می‌کند در نتیجه امکان گفتگو متنفی می‌شود. در این روش تاریخ به گونه ای تجربه می‌شود که در انسان وجود دارد همان تاریخ قدسی یا تاریخ مقدس که حوادث آن درون انسان جریان پیدا می‌کند. و معنای باطنی آن باید با تأویل، پدیدارشناسی یا کشف‌المحجوب فهمیده شود. به روش کربن انتقاداتی وارد است. در این مقاله به امکان گفتگوی اسلام و مسیحیت از دیدگاه هانری کربن و نیز نقد و بررسی دیدگاه وی می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** گفتگو؛ اسلام؛ مسیحیت؛ پدیدارشناسی؛ هانری کربن؛ فلسفه تطبیقی

## بررسی مفهوم حاشیه‌ی بشری در نظریه‌ی وحدت متعالی ادیان

اکبر قربانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اردستان و دانش‌آموخته‌ی دکتری فلسفه‌ی دین،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

E-mail: qorbani61@gmail.com

### چکیده

مسأله‌ی نسبت میان ادیان که از مسائلی و مباحث مهم در دین‌پژوهی تطبیقی و فلسفه‌ی دین است، دیدگاه‌هایی همچون حصرگرایی، کثرت‌گرایی و شمول‌گرایی را به بار آورده است. پاسخ سنت‌گرایان یا طرف‌داران حکمت‌خالده به این مسأله، نظریه‌ی وحدت متعالی ادیان نامیده می‌شود که برگرفته از نام شاهکار فریتيوف شوان در دین‌پژوهی تطبیقی، یعنی کتاب «وحدت متعالی ادیان» است. اساس نظریه‌ی مابعدالطبیعی شوان، تمایز میان ظاهر و باطن دین یا تفکیک شریعت از طریقت است. شوان ضمن پذیرش منشأ الهی و فوق‌بشری دین، بر تعدد ادیان و تکثر صور وحیانی، متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بشری تأکید دارد. در واقع با توجه به این که مخاطب وحی انسان است، یک جنبه از این گوناگونی و کثرت وحی‌ها، به گوناگونی و کثرت انسان‌ها باز می‌گردد. از نظر شوان، وحی‌های متعدد که در واقع صور گوناگون حقیقت واحد هستند، متناسب با قابلیت‌ها و اهلیت‌های آدمیان نازل شده‌اند و یکی از وجوه تعدد و تکثر حقیقت واحد، نزول آن در ساحت انسانی است که

علاوه بر تنوع، مستلزم نوعی محدودیت نیز هست. شوان با عنایت به نتایج گریزناپذیر نزول حقیقت الهی در فضای انسانی، مفهوم حاشیه‌ی بشری یا ناحیه‌ی انسانی را مطرح ساخته است. از نظر او بنابر معیار سنجش خداوند ناحیه‌ای وجود دارد که، در عین درست‌آیین و سستی بودن، به یک معنا انسانی است؛ این بدان معناست که تأثیر و نفوذ الهی تنها در باب متون مقدس و نتایج اساسی وحی، تام و تمام است و همواره یک حاشیه‌ی بشری باقی می‌گذارد که در آن، نفوذ الهی فقط به طور غیرمستقیم اعمال می‌شود و اجازه می‌دهد که عوامل قومی و فرهنگی حرف اول را بزنند. بسیاری از نظریه‌های مربوط به شریعت، متعلق به این ناحیه یا حاشیه‌ی بشری هستند. این نوشتار به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، مفهوم حاشیه‌ی بشری را بررسی می‌کند تا اولاً یکی از پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی نظریه‌ی وحدت متعالی ادیان را روشن‌تر سازد و ثانیاً نتایج و لوازم کاربرد این مفهوم را در نظریه‌ی شوان، به بحث بگذارد.

**کلید واژه‌ها:** دین، شریعت، طریقت، وحدت متعالی، حاشیه‌ی بشری، شوان.

## تحلیل ویژگی‌های عقلانی برهان جهان‌شناختی

قدرت الله قربانی

استادیار فلسفه دانشگاه خوارزمی

از پرسش‌های مهم فلسفه دین و کلام جدید، این است که آیا می‌توان برهانی بوجود خدا ارائه داد که همه پسند بوده یا تعداد بیشتری از عقلا آن را بپذیرند؟ طرح چنین پرسشی نشانگر این است که متکلمان و فیلسوفان این دغدغه فکری را دارند تا تبیینی معقول‌تر برای همه یا اکثریت مردم از هستی خدا و سپس اوصاف او ارائه دهند. به بیان دیگر، فهم و تصدیق نسبتاً همگانی از وجود خدا همواره از مساله‌های اصلی متکلمین و فلاسفه در طول تاریخ بوده و هنوز نیز است. در واقع، هستی خدا مساله مهم و بنیادی است که کلیت حیات مادی و معنوی انسان را معنا کرده و جهت می‌دهد، زیرا پذیرش وجود و یا عدم وجود خدا در همه ارکان زندگی بشری تأثیر فزاینده‌ای دارد، بالاخص اگر بپذیریم وجود خدا دارای مناسبات و روابط خاصی با ما بعنوان انسانها و جهان است، و لذا هستی ما تنها در پرتو هستی او دارای معنا می‌شود. بنابراین پرسش از هستی خدا و تلاش فیلسوفان و متکلمان برای ارائه برهانی عقلانی در این خصوص باعث گردیده تا با براهین متنوعی چون برهان‌های وجودی، فطرت، حدوث، حرکت، نظم، اخلاقی و جهان‌شناختی مواجه شویم که در



قرون گذشته تاکنون با تعابیر و تفاسیر گوناگونی ارائه شده‌اند و می‌شوند. در این میان، اهمیت برهان جهان‌شناختی، از جهات چندی است که باعث برجسته‌تر شدن آن و اهمیت بیشترش برای تقرب به نوعی برهان جهان‌شمول گردیده است. با توجه به این ویژگی‌های برهان جهان‌شناختی و نیز مقبولیت نسبی بیشتر آن میان اندیشمندان و نیاز فکری انسان‌های خردمند زمانه کنونی برای استفاده از برهانی نسبتاً همه‌پسند و کاربرد آن در استدلال‌های عقلانی، به نظر می‌رسد می‌توان با بازخوانی تفسیرها و تقریرهای گوناگون این برهان و تحلیل مبادی و اصول آن به تقریری مناسب‌تری رسید که امکان بسط بیشتری داشته باشد.

**کلید واژه‌ها:** خدا، براهین عقلانی، برهان جهان‌شناختی، هستی‌انسان

## عقلانیت ایمان دینی

حسن قنبری

دانشیار دانشگاه ایلام

آیا ایمان دینی از معیارهای عام عقلانیت تبعیت می‌کند؟ این پرسش یکی از مهمترین مباحث فلسفه دین معاصر است که نه تنها ذهن فیلسوفان دین را به خود مشغول داشته بلکه توجه الاهی دانان ادیان مختلف را نیز جلب کرده است. گرچه خاستگاه این مسئله را مانند بسیاری از دیگر مباحث فلسفه دین باید در اندیشه متفکران غربی جستجو کرد اما چند دهه است که به دغدغه برخی از اندیشمندان حوزه فکر اسلامی نیز مبدل شده است.

در این نوشتار ابتدا به نحو مختصر به مفهوم عقلانیت و جغرافیای آن و نیز مفهوم ایمان دینی و جغرافیای آن پرداخته می‌شود؛ به عقلانیت نظری و عملی اشاره خواهد شد که در حوزه عقلانیت نظری به مصادیق بارز آن یعنی منطق صوری، ریاضیات و علوم تجربی اشاره می‌شود. در ادامه ضمن اشاره به تعریف رایج معرفت نزد معرفت‌شناسان، این پرسش را بررسی می‌کنیم که ایمان دینی چه نسبتی با معرفت دارد؟ به این نتیجه می‌رسیم که با این تلقی از عقلانیت، ایمان معرفت نیست. در ادامه گفته خواهد شد که مفهوم ایمان مفهومی کاملاً درون دینی و مختص ادیان الاهی است. در ادامه به تعریف خاصی که در کلامی اسلامی از ایمان وجود دارد یعنی "تصدیق قلبی" پرداخته می‌شود؛ آیا تصدیق قلبی علم است، دون علم است یا فوق

علم؟ تصدیق قلبی به چه چیزی تعلق می‌گیرد؟ به اعیان خاص یا به گزاره‌های خاص؟ اینجا است که اگر اعیان خاصی متعلق تصدیق قلبی باشند پای تجربه دینی و اعتبار معرفت‌شناختی آن به میان می‌آید که از منظر کلام اسلامی این تجربه مختص پیامبران است و دیگران به آن راهی ندارند. بنابراین به نسبت به غیر پیامبران باید از ایمان گزاره‌ای سخن گفت. در اینجا به دیدگاه ریچارد سوین برن درباره ایمان گزاره‌ای اشاره خواهد شد و سعی خواهیم کرد که با پاسخ دادن به این پرسش‌ها مقاله را به پایان برسانیم.

**کلید واژه‌ها:** عقلانیت، معرفت، ایمان، تصدیق قلبی

## دیدگاه توماس آکوئینی درباره‌ی سخن گفتن از خدا

مستانه کاکایی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه شهید بهشتی

loossies@yahoo.com

### چکیده

سخن گفتن از خدا، مسئله‌ای از مسائل زبان دینی است که به نحوه‌ی حمل صفات بر خدا و مخلوقات توجه دارد؛ این مسئله از دیرباز، ذهن اندیشمندان دینی را به خود مشغول کرده است. این نوشتار برآنست براساس روش بحث توماس، ضمن معرفی راه‌های سنتی (سلبی و ایجابی) و تقسیمات آنها از حیث معناشناسی (اشتراک لفظی، اشتراک معنوی و آنالوژی)، نقد توماس بر آنها را در مقایسه با دیدگاه فیسلوفان قرون وسطی بیان دارد و درنهایت روش برگزیده‌ی توماس (آنالوژی) را با بیان اقسام آن (تناسب - تقلیدی یا بهره‌مندی - اسنادی - نسبت) و تبیین بهترین قسم آن (آنالوژی نسبت)، با دلیل و برهان بررسی نماید. توماس به تبع بوئتیوس دو نوع اشتراک لفظی معرفی می‌کند: اشتراک لفظی محض که توماس با آن مخالف است؛ به این دلیل که به لادری‌گری درباره‌ی خدا منجر می‌شود؛ اشتراک لفظی قصدی که توماس آنرا با آنالوژی یکی می‌داند. فهم درست اشتراک لفظی، فهم مناسب آموزه‌ی توماس درباره‌ی اسامی آنالوژی را در اختیار می‌نهد.

**کلید واژه:** آنالوژی - اشتراک لفظی - اشتراک معنوی - نسبت - تناسب.

## مسئله‌ی شر و چشم‌اندازهای خیر در قرآن

احمد کریمی

دانشجوی فلسفه دین و مسائل جدید کلامی دانشگاه قم  
دانش آموخته‌ی دوره‌ی خارج حوزه علمیه، مدرس دانشگاه

مسئله‌ی شر همواره یکی از نقاط اصلی و محور اساسی براهین ملحدین علیه خداوند بوده است. وجود شر در عالم به عنوان اهرمی علیه خداوند در براهین و ادله‌ی ملحدان با استناد به این مقدمات شکل می‌گیرد که خدای قادر مطلق و عالم مطلق و خیرخواه مطلق آیا از خلق نظامی که عاری از هرگونه شرور و رنج‌ها بود عاجز مانده است؟ و اصولاً جهانی با این گستره از غم‌ها و رنج‌ها و نابسامانی‌ها و... چه نسبتی با عدل و حکمت الهی دارد؟

مسئله‌ی اساسی این پژوهش آن است که قرآن کریم به منزله‌ی کتاب آسمانی چه نگرشی به مسئله‌ی شرور دارد و آن را در چه بستری برای انسان دیروز و انسان مدرن قابل فهم می‌سازد؟

فرضیه‌ی این پژوهش آن است که تحلیل نگاه جامع‌نگر قرآن کریم به مسئله‌ی شر می‌تواند به ارائه‌ی یک رهیافت مناسب در این باره بینجامد.

این پژوهش، بسترها و پس‌زمینه‌های فهم مسئله‌ی شر را در ارتباط وثیق با بازتعریف مفاهیمی همچون «دنیا» و «شر» بر اساس الگوی قرآنی می‌داند و معتقدست

خواسته‌های انسان از دنیا با توجه به این تعاریف جدید و نیز دقت نظر در مسئله‌ی عدل و حکمت الاهی و زندگی اخروی، قابل توضیح است. این نوشتار، تلاش می‌کند تا رهیافت کلامی قرآن کریم را در مواجهه با مسئله‌ی شرور و آلام دنبال کند و آن را مبتنی بر درک تمامی ساحت‌های این رهیافت می‌داند و بر این باورست که تمرکز دیسپلین کلامی بر دفاع از گزاره‌های دینی بدون عطف نظر به ساحت استنباط، تعریف و تبیین این گزاره‌ها می‌تواند مانعی برای کل‌نگری و نگاهی جامع به مسئله و راه حل‌های آن باشد.

**واژگان کلیدی:** خدا، انسان، شر، عدل، حکمت، قدرت، علم

## بررسی تطبیقی زیباشناسی دینی از دیدگاه منابع اسلامی

ابراهیم لرکی، میثم محمدزاده

کارشناس ارشد معماری، مدرس آموزشکده فنی حرفه‌ای سما آزاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

مسجد سلیمان، مسجد سلیمان - ایران

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه بین‌المللی قشم

**E-mail: Ebrahim.larki@yahoo.com**

### چکیده:

در دیدگاه اسلامی انسان جانشین خداوند در زمین است و همه اسماء و صفات را از او آموخته است. بنابراین تمام توصیفات که از حضرت حق می‌شود گرایش زیبایی خواهی فطری انسان‌ها طالب آن است و انسان‌ها خود نیز می‌توانند آن صفات حسن را بدو در خود و سپس در آثار خود متجلی سازند. در پژوهش حاضر سعی شده است با روش تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای و باتکیه بر ادبیات موضوع به بیان مطلب پرداخته شود و سپس به بررسی جایگاه زیبایی و امر زیبا در آموزه‌های عرفانی و دینی، تلاش می‌شود به پرسش‌هایی از قبیل نسبت دین با امور زیبا، درک و تحسین زیبایی و گرایش به آن، در چارچوب اصل تجلی در عرفان اسلامی پاسخ گوید از این‌رو بسیاری از حکیمان روزگاران کهن و روانشناسان عصر جدید به زیبایی‌شناسی توجه کرده و هریک در این باره تحقیقاتی نموده و نظریاتی پیشنهاد کرده‌اند از جمله اندیشمندان اسلامی، ماهیت زیبایی را در متن مباحثات خود درباره خداوند و صفات او مطرح کرده‌اند؛ مباحثی که با آفرینش در ارتباطند و همچنین نویسندگان و شاعران

به زیبایی‌های درونی انسان که خداوند در آن نهاده است اشاره کرده و همواره خود را مجذوب و محور زیبایی یافته‌اند.

**کلید واژه:** زیبایی، زیباشناسی، زیباشناسی اسلامی، صفات خداوند.



## برهان نظم از دیدگاه ریچارد سوئین برن

حسین لنجانی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه علامه طباطبایی

یکی از طرفداران برهان نظم، ریچارد سوئین برن است که از دیدگاه او، نظم موجود در جهان، وجود خداوند را از عدمش محتمل تر می سازد. او برای تعیین پدیده‌های مورد مشاهده دو طریق را بیان می‌کند: یکی، تبیین اشیای بی جان که این پدیده‌ها به طور قهری منشأ پدیده‌های خاص می‌باشد، و دیگری، تبیین شخصی که براساس پدیده‌هایی است که به اقتضای قصد و اراده‌ی فاعل پدید آمده‌اند.

این دو تبیین بدین سبب روی علل پدیده‌ها صورت می‌گیرد که مشخص شود چرا آن علل، معلول‌های خاص خود را دارد. از نظر سوئین برن در جهان، قانون طبیعت به صورت یکسان عمل می‌کند و بسیاری از پدیده‌ها قابل پیش‌بینی است. او معتقد است این نظم موجود، از طریق یک منبع کلی بهتر توصیف می‌شود و این منبع کلی، خدا خواهد بود. از نظر او سادگی یک فرضیه، احتمال فطری بودن آن را افزایش می‌دهد و از آن جا که خداپاوری، فرضیه‌ای ساده است از هر تبیین بدیل دیگری محتمل تر است.

**لغات کلیدی:** ریچارد سوئین برن، برهان نظم، فرضیه ساده، شناخت زمینه‌ای، تبیین

اشیای بیجان، تبیین شخصی

## پلورالیسم دینی (نقد و بررسی)

محمد محمدرضایی  
استاد دانشگاه تهران

### چکیده

این مقاله بر آن است تا یکی از مسائل مهم در عرصه دین‌پژوهی و فلسفه دین، یعنی پلورالیسم دینی را نقد و بررسی کند. پلورالیسم دینی، بر آن است که همه ادیان، حداقل الاهی، حقانیت و نجات‌بخشی یکسان دارند.

در بحث پلورالیسم دینی، ابتدا، قرائت‌های گوناگون پلورالیسم دینی مطرح و سپس قرائت مورد تأکید جان هیک طراح نظریه پلورالیسم دینی در جهان معاصر مشخص شده است. در ادامه، مبنای پلورالیسم دینی که نظریه فنومن و نومن کانت در باب شناخت است، مورد انتقاد قرار گرفته و اثبات شده که پذیرش چنین مبنایی مستلزم قبول لادری‌گرایی در باب شناخت واقعیت است؛ سپس مبنای دیگر پلورالیسم دینی یعنی تجربه دینی، بررسی شده و ضمن پاسخ به اشکال جان هاسپرز درباره تجربه دینی، اصل تجربه دینی به صورت منع شناخت مورد قبول قرار گرفته و راه‌حل مناسب برای این تفاسیر متفاوت ارائه شده است که با پلورالیسم دینی جان هیک تفاوت‌هایی دارد. در پایان، دیدگاه قرآن و روایات اسلامی در باب رؤیت خدا مطرح شده است و در نهایت نیز پلورالیسم دینی از دیدگاه سید حسین نصر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** پلورالیسم دینی، حقانیت، نجات‌بخشی، تجربه دینی، فنومن، نومن، جان هیک، تکثر دینی، رؤیت خدا، تجربه عرفانی، سید حسین نصر، وحدت متعالیه ادیان، سنت‌گرایی.

## هایدگر و تجربه دینی

مژگان محمدزاده

لیسانس الهیات و معارف اسلامی

roya0909@gmail.com

### چکیده:

در میان فلاسفه اگزیستانسیالیست هایدگر تنها فیلسوفی است که در رابطه با خدا سکوت کرده است. اما با این حال نمی‌توان گفت که الهیات مسیحی از منابع فکری او نبوده است یا معنویت دینی از مشغولیت‌های فکری او نیست.

به طور آشکار هایدگر قصد داشت که از مابعدالطبیعه موجود انگارگذر کند، پس به‌طور طبیعی از فلسفه مسیحی و همچنین دین مسیحی که آن را سرشار از مفاهیم متافیزیکی می‌دانست گریزان بود. مسیحیت به نظر وی شکل منحنی و دورافتاده از اصالت یونانی است و میان پرسش‌پذیری فلسفی و ایمان دینی تناقضی وجودی برقرار است و در نتیجه هایدگر به خدای مابعدالطبیعی هم اعتقادی نداشت.

او در پی تطهیر معنویت دینی از عناصر متافیزیکی می‌خواست به مسیحیت اولیه بازگردد تا به ساحت قدسی دست بیابد که نظریه‌های انتزاعی متألهان و عرفای قرون وسطایی از آن ناشی شده بود؛ در این نوع از مسیحیت، تجربه دینی روشی برای زندگی اصیل دازاین است. تجربه زیستی که از جایی برای دازاین دیکته نشده است. با شهود هرمنوتیکی، دازاین به پدیدارهای پیرامون خود می‌نگرد و می‌گذارد که آنها در جای خود بر او آشکار شوند. با این شهود است که معناداری و تجربه بی‌واسطه

زندگی بر او منکشف می‌شود. و از طرف دیگر پیش داشت این شهود هرمنوتیک پدیدارشناسانه را مسیحیت اولیه فراهم می‌آورد.

قرابت‌هایی که بعضی از مفسران و متألهان مسیحی بین وجودی که او توصیف می‌کند و خداوند دین مسیحی می‌بینند نمی‌تواند برداشت صحیحی از تفکر وی باشد زیرا با توجه به بی‌علاقه بودن هایدگر برای اینکه نامی از خدا در تفکر فلسفی‌اش ببرد و توجه او به اصالت زندگی که پایان امکاناتش مرگ است و همواره معطوف به آن با فرصت‌های خود در آینده مواجه می‌گردد. توجه او به معنویت و شور دینی برای اصیل ساختن زندگی دازاین در راستای واقع بودگی‌اش در جهان است.

**کلیدواژه:** الهیات، تجربه دینی، مابعدالطبیعه، زندگی، اصالت

## نسبت‌های صورت و ماده‌ی دین و اثر هنری از نگاه شوان

سید رحمان مرتضوی

دانشجوی فلسفه‌ی هنر دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه

**Email : seyedrahman@gmail.com**

فریتيوف شوان به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمایندگان سنت گرایي، رویکردی متفاوت در حوزه‌ی فلسفه‌ی دین و فلسفه‌ی هنر عرضه می‌کند. این رویکرد در بردارنده‌ی نگاهی نوین به مفاهیم کهن دینی، متافیزیکی و هنری است. در این میان، دو مفهوم مهم و اثرگذار صورت و ماده در طرح بندی‌های وی از دین و هنر نقشی مهم ایفا می‌کنند؛ این دو مفهوم همچون حلقه‌ای واسطه، دین و هنر را به یکدیگر پیوند می‌دهند و از این منظر اهمیتی فراوان دارند.

این مقاله، با تکیه بر آرای فریتيوف شوان، به بررسی ابعاد مختلف صورت و ماده در دین و هنر و نسبت صورت و ماده‌ی دینی و هنری خواهد پرداخت.

**کلمات کلیدی:** شوان؛ ماده؛ صورت؛ دین؛ هنر. اثر هنری

## براهین اخلاقی اثبات وجود خدا

علیرضا مصدقی حقیقی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

Mosadeghi\_110@yahoo.com

### چکیده

براهین اخلاقی خدا به عنوان طیفی از مجموعه استدلال‌های ارائه شده در باب اثبات وجود خدا در نظر گرفته می‌شوند که از مقدماتی با محتوای تجربه و اندیشه اخلاقی شکل یافته‌اند. غالب این برهان‌ها مدعی اند حقایق اخلاقی هنجاری موجود در جهان هستی، بهترین تصویر از وجود خدا ارائه می‌دهد. آنها به ذکر حقایقی می‌پردازند که ادعای بدیهی بودن برای تجربه بشری دارند. سایر براهین اخلاقی - همچون برهان اخلاقی کانت - با نیات و انگیزه‌های انسانی سر و کار دارند و به توصیف اهدافی می‌پردازند که زندگی اخلاقی ما را بدان متعهد می‌سازد. بر این اساس براهین اخلاقی را می‌توان عمل‌گرایانه یا نظری دانست. در این مقاله به تحلیل، بررسی و نقد انواع براهین اخلاقی خدا پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: خدا، برهان اخلاقی، کانت، اخلاق هنجاری

## گفتگوی ادیان ابراهیمی با ادیان شرقی. بحثی میان فرهنگی

علی اصغر مصلح

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

ادیان پایدارترین و مؤثرترین صورت‌های زندگی انسانی را شکل داده‌اند و هنوز هم اساسی‌ترین صورت‌های تعلق و دلبستگی آدمیان را تعیین می‌کنند. برقراری مناسبات مسالمت‌آمیز میان فرهنگ‌ها مستلزم درک عمیق پیروان ادیان از یکدیگر است و به همین جهت گفتگو و مفاهمه میان ادیان، مقدمه ضروری برای گفتگوی فرهنگ‌هاست.

ادیان ابراهیمی (مسیحیت، اسلام و یهود) با ادیان شرقی (بودیسم، هندویسم و دیگر آیینهای شرقی) تفاوت‌هایی بنیادی با یکدیگر دارند. علیرغم اطلاق دین بر دو گروه از ادیان، تفاوت‌های در اصول، اغلب باعث سوءفهم می‌شود و یا گفتگوها در سطح باقی می‌ماند. شرط اول گفتگوی میان ادیان فراهم آمدن مقدمات برای درک عمیق از یکدیگر و به‌خصوص درک تفاوت‌هاست. پس از درک تفاوت‌ها باید راههای کشف هم‌پوشانی‌ها را یافت.

برای رسیدن به مرحله گفتگو گام اول رفع موانع درونی است. اطراف گفتگو باید بتوانند بر خود مطلق بینی غالب آیند. اجابت این درخواست برای مؤمنان، سخت‌تر از اهل فلسفه است.

در این مقاله ابتدا سعی می‌شود تفاوت‌های اساسی دو گروه ادیان مورد بحث قرار گیرد و سپس قالب‌هایی که هم‌پوشانی و مشترکات را نشان می‌دهند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مسیر به نظر می‌رسد که اخلاق و عرفان دو مقوله‌ای هستند که بهتر از دیگر مقولات می‌توانند راه‌های گفتگو و مفاهمه را بگشایند.



## بازخوانی مساله شر از دیدگاه لایب نیتس

امراه معین

استادیار الهیات دانشگاه شهرکرد

### چکیده

لایب نیتس معتقد است این جهان بهترین جهان ممکن است، چرا که خداوند از میان جهان های ممکن بی شمار این جهان را انتخاب وبه وجود آورده است. از آن زمان تاکنون فلاسفه بر این سخن لایب نیتس نقدهای متفاوتی وارد کرده اند از جمله ولتر، شوپنهاور، راسل و دیگرانی از جمله آلوین پلنتینگا، جی ال مکی؛ این مقاله درصدد آن است که با توجه به فلسفه لایب نیتس به اشکالات سنخ اول پاسخ دهد. در ادامه نظر پلنتینگا را بررسی نموده و انتقاد او را از لایب نیتس که مبتنی بر نظریه دفاع مبتنی بر اختیار است، پاسخ گوید. برای این کار باید نشان دهیم که لفظ بهترین جهان ممکن صرفاً یک مفهوم ارزشی و اخلاقی نیست که بخواهیم بهتر از آن را تصور کنیم. از سوی دیگر لایب نیتس قدرت خدا را مطلق به معنای اراده گزارفی نمی داند بلکه مانند پلنتینگا محدودیتهایی برای قدرت خدا قائل است؛ اما مانند پلنتینگا نمی گوید خداوند وضعیت امور را خلق نکرده است بلکه تنها آسمانها و زمین را آفریده است. لایب نیتس تنها قدرت خدا را محدود به مرزهای منطقی می کند.

**کلید واژه:** لایب نیتس، مساله شر، جهان های ممکن، امکان خاص، پلنتینگا

## نوآوری فارابی در باب رابطه دین و فلسفه: نظریه سلسله مراتبی زبان دین

نواب مقربی

ای رشته کلام- فلسفه‌ی دین و مسائل جدید کلامی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه فلسفه، اصفهان، ایران

Email Address: nawi1358@yahoo.com

اندامی دارای دو قوه‌ی عاقله و متخیله است. عاقله به فلسفه تعلق دارد و متخیله به دین. فیلسوف از راه قوه‌ی عاقله به حقیقت مطلق می‌رسد و نبی از راه متخیله. هر چند شیوه‌ها متفاوت‌اند ولی هدف در واقع یکی است. انسان به واسطه‌ی فیوضاتی که از عقل فعال به عقل منفعل او افزوده می‌شود، حکیم و فیلسوف است و به واسطه‌ی فیوضاتی که از او به قوت متخیله‌اش افزوده می‌شود نبی و منذر از آینده است. این انسان در کاملترین مراتب انسانیت است و در عالی‌ترین درجات سعادت و نفس او کامل و چنانکه گفتیم با عقل فعال متحد است. «خاص» همان رئیس نخستین است که به معقولات علم دارد و علم‌اش برهانی است و باقی همه عوام و جمهور مردم‌اند که در تعلیم آنها می‌بایست شیوه‌های اقناعی و تَمَثُّلات به کاربرد.

فلسفه از حیث زمان بر دیانت تقدم دارد. ملت و شریعت حقیقی پس از فلسفه‌ی صحیح و برهانی پدید می‌آید و مبتنی بر این فلسفه است. در دیانت حقایق به صورت مثال‌ات و به زبان خطابی به مدینه و زندگی مدنی می‌رسد و تحقق تاریخی پیدا می‌کند. تقدم فلسفه بر دین به معنای برتری دین بر فلسفه نیست. عقل و وحی

هر دو درواقع یک چیزند. فیلسوف و پیامبر هر دو از یک منبع الهام می‌گیرند و این منبع همان عقل فعال است.

مسئله این است که آیا این عوالم گوناگون یا شیوه‌های زیست گوناگون می‌توانند بایکدیگر گفتگو کنند و به نقد و رد یکدیگر پردازند یا نه. در علم کلام جدید ایمان‌گروان ویتگنشتاینی بر این باورند که شیوه‌های زیست گوناگون، جهان‌های گوناگون‌اند و اینکه نمی‌توان از درون یک شیوه‌ی زیست به نقد و رد یا اصلاح شیوه‌ی زیست دیگری پرداخت. بنابراین زبان دین از زبان علم یا زبان دین از زبان فلسفه سراسر جداست. طرفه آنکه بسیاری از کسانی که به این دیدگاه عقیده دارند به نقد و رد زبان عقلی علم یا زبان عقلی فلسفه می‌پردازند.

کوتاه سخن آنکه، نوآوری فارابی در این است که با اتکا به پژوهش‌های زبانی در کتاب *الحروف و پژوهش‌های فلسفی در الجمع بین رأیی الحکیمین*، زبان یا پارادایم یا جهان سخن تازه‌ای بر ساخته است که از درون و با معیارها و محک‌های خاص آن می‌توان به گفتگو درباره‌ی عقل و ایمان یا دین و فلسفه پرداخت.

**کلید واژه‌ها:** فارابی، زبان، دین، عقل، سلسله مراتبی زبان

## تأثرناپذیری خدا و مسئله‌ی شرّ، سازگاری یا ناسازگاری؟

میثم مولایی

پژوهشگر فلسفه دین

meysammolaie@gmail.com

ام‌البینین طاعتی

دبیر آموزش و پرورش و دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ خداباوری از ابتدا تاکنون، شاهد دیدگاهی بوده است که از آن با عنوان «دیدگاه سنتی خداباوری» یاد می‌شود. بر اساس این دیدگاه خدا موجودی تأثرناپذیر توصیف می‌شود به این معنا که از غیر تأثر نمی‌پذیرد و بر اساس آموزه‌ی بهجت الوهی همواره در خشنودی و سعادت کاملی بسر می‌برد که در ضمن قبول آموزه‌ی تأثرناپذیری این خشنودی متأثر از موجودی غیر خدا نیست؛ بنابراین بر اساس این دیدگاه خداوند هرگز دچار یأس و غم و اندوه از غیر خود نخواهد شد.

از سوی دیگر خداباوری همواره از سوی عده‌ای متهم به نامعقولیت بوده است. این گروه معتقدند که دلایلی وجود دارد که بر اساس آن‌ها اعتقاد به خدا امری نامعقول تلقی می‌شود. عمده دلیل ایشان در تأیید ادعای خویش توسل به «مسئله‌ی شرّ» است. در مقابل خداباوران سعی کرده‌اند با ارایه‌ی راهکارهایی نشان دهند که مسئله‌ی شرّ یا به هیچ وجه دلیلی بر نامعقولیت خداباوری نیست - مثل تئودیسه - یا اینکه دلیلی کافی برای این منظور نیست - مثل دفاع مبتنی اختیار - از اتهام نامعقولیت برهند.

آیا با فرض قبول راه‌های ارایه شده از سوی خداپاوران در سازگاری شرّ - بخصوص شرور اخلاقی - با وجود خدا، می‌توان تأثرناپذیری خدا را پذیرفت یا خیر؟ در این نوشتار سعی می‌شود اولاً نشان داده شود که تأثرناپذیری خدا با کمال اخلاقی او و علم مطلقش ناسازگار است. و از سوی دیگر تأثرپذیری خدا با اوصاف مابعدالطبیعی مانند تغیرناپذیری و وجوب وجود ذاتی خدا آن ناسازگار نیست.

**کلید واژگان:** خدا، موجود کامل حداکثری، تأثرناپذیری، شرور، رنج و غم، تغیرناپذیری

خلاصه فعالیت علمی نویسنده مسئول :

تحصیلات :

کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه تهران ( در حال دفاع پایان نامه )

کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه قم

سوابق علمی - تحقیقاتی :

نویسنده مسئول مقاله « نگاهی دوباره به قرینه‌گرایی »، دارای تاییدیه چاپ در مجله

علمی - پژوهشی فلسفه دین دانشگاه تهران

در حال دفاع از پایان نامه « تحلیل مفهوم موجود مطلق و نقش آن در معناشناسی

اوصاف الهی »

## نقش عقل عملی کانت در تبیین آموزه های خدا و دین

هژیر مهری

### چکیده

شاید به یقین بتوان گفت مهمترین و اصلی ترین موضوع مابعدالطبیعه خدا و به تبع آن دین، می باشد که در طول تاریخ مورد توجه و تفلسف فیلسوفان و متفکرین قرار گرفته است. در فلسفه یونان و قرون وسطی تفکر فلسفی از خدا آغاز و به بحث در خصوص طبیعت و انسان می انجامید. این روند در دوره رنسانس و دوره جدید نیز تا قبل از کانت همچنان ادامه یافت تا آنجا که فلسفه دکارت نیز به دلیل آنکه از خدا شروع شده سپس به تفکر درباره انسان می پردازد، به نوعی در این چارچوب محصور ماند. در عصر روشنگری و به ویژه در فلسفه کانت این امر دگرگون می شود، کانت از انسان شروع می کند و سپس به تفکر درباره خدا به مثابه یکی از مفاهیم عقل انسان می پردازد. در واقع از قرن هیجدهم به بعد با نقادی عقل نظری و همچنین عقل عملی در فلسفه کانت، مفهوم خدا و به تبع آن دین و دین داری دچار تحول اساسی می شود و این امر رویکرد مدرن به مفهوم خدا و توابع آن را شکل می دهد و به طوری که متفکرینی چون کرکگور، نیچه، و یتگنشتاین و... آشکارا در این خصوص تحت تأثیر اندیشه های کانت می باشند. کانت تلاش نمود تا دین را بر پایه ی اخلاق استوار سازد و بنیاد دین را از الهیات به اخلاق و از عقاید به رفتار تغییر دهد. با ارائه ی نظریات کانت، دین از حوزه ی استدلال بیرون رفت و صرفاً از نسخ اخلاق به شمار آمد. بدین سان، زمینه ی لازم برای جدائی دیانت از علم و نیز جدائی دین از شئون

مختلف اجتماعی فراهم شد. در این نوشتار، این اهداف پی گرفته می شود: بررسی خاستگاه مفهوم خدا در فلسفه کانت، چون مفهوم خدا از جمله مقولاتی است که قابل اثبات به وسیله عقل نظری نمی باشد از این رو کانت در نقادی عقل عملی است که مفهوم خدا را به عنوان ضامن اخلاق طرح و اثبات می نماید، چون عقل عملی اساس کار است ابتدا مفاهیم کلیدی چون اصول موضوعه عقل عملی، خودمختاری و... ذکر می شود تا به مفاهیم خدا و دین که مسبوق به اخلاق اند، برسیم.

**کلید واژه ها:** خدا - دین - اخلاق - مابعد الطبیعه - انسان.

## نسبت معرفت دینی و اخلاق

حسن میانداری

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

در قرآن به تکرار آمده که: ۱. اکثر انسان‌ها به اموری که مربوط به خدا و آخرت است، علم ندارند. ۲. یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، آموختن همین نوع معارف، ۳. البته با دلایلی آشکار بود، که ۴. انسان‌ها به غیر از راه وحی امکان آموختن آن‌ها را نداشتند. اما ۵. اکثریت مردم به آموزش‌های انبیا ایمان نیاوردند. ۶. یکی از علل/دلایل اصلی ایمان نیاوردن مردم، اخلاقیات بد آنها بود که ۷. اثر منفی بر قوای شناختی آنها می‌گذاشت. ۸. لذا یکی دیگر از رسالت‌های اصلی انبیا تزکیه اخلاقی مردم بود. ۹. رسالت اصلی، بنده خدا ساختن انسان بود.

من در مقاله انشاءالله بر اساس نظریه تکامل زیستی، به ویژه انتخاب طبیعی، به نفع محدودیت‌های قوای شناختی انسان و اخلاقیات بد او، و در دفاع از گزاره‌های قرآنی (۱) و (۶) استدلال خواهم کرد. همینطور بر اساس معرفت‌شناسی فضیلت‌گرا به دفاع از اثر منفی اخلاق بر معارف، گزاره (۷)، می‌پردازم. و با استفاده از این یافته‌های علمی - فلسفی و اصلاح نظام انسان‌شناختی صدرالمتهلین، که در واقع پیراستن نظام او از علم - فلسفه یونانی است نه آنچه ویژه خود اوست، استدلال می‌کنم که بهترین تبیین فلسفی گزاره‌های قرآنی است.

**کلیدواژه‌ها:** رسالت انبیا، ایمان، انتخاب طبیعی، محدودیت قوای شناختی، اخلاق بد، انسان‌شناسی صدرایی.



## چگونگی شکل‌گیری اسطوره‌ شر لویاتان با تکیه بر نقد اسطوره‌شناختی راجر فرای

بهمن نامور مطلق

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

مریم پیردهقان

دانشجوی کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر دانشگاه هنر اسلامی تبریز

اساطیر شر و هستی‌شناسی آنها همواره یکی از پرسش‌های دیرینه انسانی بوده است به گونه‌ای که همه مذاهب با شیوه‌ها و برهان‌های خاص خود کوشیده‌اند تا شکل‌گیری این اساطیر را در بستری از روایت‌ها شرح دهند. در این راستا، با اینکه کتب مقدس تنها اشاراتی مبهم در این مورد ارائه داده‌اند مفسران یهودی و مسیحی، اساطیر شر را در رابطه با گناهان و آخرالزمان مطرح ساختند و رهبران دینی به همراه هنرمندان و نویسندگان، این اشارات را در طول قرن‌ها آنچنان آراستند که عالمی سهمگین و بی‌کران از مسئله شر و اساطیرش خلق شد با جزئیاتی آنقدر واضح که قدرتی باور نکردنی بر ذهن اکثر مردم گذاشت. اسطوره‌ لویاتان یکی از این جلوه‌هاست که در طول اعصار دچار دگرگونی‌های بسیار شده است، اسطوره‌ای که از اوگاریتی وارد عهد عتیق شد و در تفاسیر یهودی تغییر شکل یافت و سپس در مکاشفات یوحنا ظاهر گشت و پس از آن در سنت دیوشناسی مسیحی یکی از شاهزاده‌های جهنم گردید. مقاله حاضر، پژوهشی تاریخی توصیفی - تحلیلی و با رویکردی موردی به اسطوره لویاتان است که ابتدا به چگونگی دگردیسی تصویری و

مفهومی آن از عهد باستان به بعد پرداخته و سپس با استفاده از روش نقد اسطوره‌ای راجر فرای به تجزیه و تحلیل مضمونی آن دست می‌زند تا از این حیث ره به این نکته برد که «لویاتان» به سبب ابهام در شکل و نبود تعیین در خصوصیات ظاهری‌اش به یک نماد سیالی از شر تبدیل می‌شود که قابلیت‌های رمزی و نمادین گسترده‌ای را به همراه دارد و در فرهنگ یهودی - مسیحی به‌ویژه در حوزه عرفانی، حضور یا مرگ آن دارای دلالت‌های ویژه‌ای است و نبرد با آن یک کنش آفاقی و به‌خصوص انفسی به‌شمار می‌آید.

## بررسی تطبیقی برهان صدیقین سینوی و برهان امکان و وجوب تومیستی

سعیده نبوی

دانشجوی ای کلام (گرایش فلسفه دین)، تربیت مدرس مدرس دانشگاه قم

S\_Nabavi42@yahoo.com

### چکیده

آکوئیناس، در طریقه سوم خود، از امکان و وجوب دریچه‌ای به سوی اثبات وجود خدا می‌گشاید. استدلال او را بعضی از فیلسوفان، طبیعی - مابعدالطبیعی تفسیر کرده‌اند و بعضی دیگر، طبیعی. با این وصف، به‌سادگی نمی‌توان استدلال آکوئیناس را با برهان صدیقین ابن‌سینا یکی دانست. این مقاله بر آن است که پس از ارائه گزارشی از برهان صدیقین سینوی و تقریرهای گوناگون برهان امکان و وجوب تومیستی، تفاوت‌های این دو برهان را به‌خصوص از لحاظ ابتناء آنها بر اصل امتناع تسلسل آشکار سازد. به نظر می‌رسد در تحلیل و ریشه‌یابی تفاوت یادشده، باید سراغ تصور این دو فیلسوف از خدا و رابطه او با طبیعت رفت: ابن‌سینا چون در پی اثبات واجب‌الوجود بالذات است و بس، برای به‌کرسی نشاندن مدعای خود، به معونه‌ای بیش از این نیاز ندارد که با تکیه بر امکان ماهوی، تسلسل در علل فاعلی را ابطال و در نتیجه، وجود خدا را اثبات کند، در حالی که در تقریرهای طبیعی - مابعدالطبیعی از برهان امکان و وجوب تومیستی، هدف اثبات واجب‌الوجودی است که عالم طبیعت را از کتم عدم خلق کرده است. به همین دلیل این نوع تقریرها نمی‌توانند تنها

با تکیه بر امکان ماهوی، برای طبیعت حادث، آفریدگار ازلی اثبات کنند. همچنین با گریز به طریقه دوم آکوئیناس و مقایسه استدلال او بر امتناع تسلسل با برهان وسط و طرف ابن سینا، روشن می‌شود که حتی اگر استدلال آکوئیناس برگرفته از برهان ابن سینا باشد، اقتباسی ناقص از آن است.

**کلید واژه‌ها:** امکان ماهوی، کون و فساد، تسلسل، حدوث، واجب‌الوجود بالذات، محدث (پدیدآورنده)، برهان صدیقین، برهان امکان و وجوب.

## مساله‌ی شر در اندیشه‌ی لایب نیتس و استاد مطهری

ابوذر نوروزی

دانشجوی‌ی کلام امامیه دانشگاه تهران

n.abouzar@yahoo.com

### چکیده

مساله‌ی شر از مسائل بسیار مهم اندیشه‌ی بشر در عرصه‌ی دین پژوهی است. این مقاله درصدد است که دیدگاه لایب نیتس و استاد مطهری را در این مورد بیان و عقیده‌ی این دو اندیشمند را درباره‌ی منشاء شر در انواع آن بررسی کند. از این جهت که استاد مطهری شر طبیعی را نیستی می‌داند و لایب نیتس نیز شر مابعدالطبیعی را نیستی می‌خواند، اندیشه آن‌ها به هم نزدیک می‌شود و وجه اشتراک رهیافت استاد مطهری و لایب نیتس در این است که منشاء شرور اخلاقی - اجتماعی را آزادی و اختیار موجودات ذی شعور می‌دانند. نکته‌ی برجسته‌ی روی کرد استاد مطهری آن است که ایشان با روی آوردی کاربردی با راه‌کارهایی که ارائه می‌دهد، معتقد است انسان می‌تواند از انواع شر جهت رشد و تعالی بهره‌گیرد.

**کلید واژگان:** استاد مطهری؛ لایب نیتس؛ مساله‌ی شر.

## عوامل و روند شکل‌گیری فرضیه‌ی کثرت‌گرایی دینی جان هیک

ابوذر نوروزی

دانشجوی‌ی کلام امامیه دانشگاه تهران

### چکیده

جان هیک (۲۰۱۱-۱۹۲۲م) نماینده‌ی برجسته‌ی کثرت‌گرایی دینی بر این باور است که حقیقت و رستگاری منحصر به دین خاصی نیست و پیروی از همه‌ی ادیان باعث رستگاری دین‌داران خواهد شد. هیک پس از نظریه‌پردازی، مبانی معرفتی و کلامی این فرضیه را که با چالش‌های جدی روبرو است، تدارک دیده است. علل و مقدمات در شکل‌گیری کثرت‌گرایی دینی به نحو چشمگیری مؤثر واقع شده‌اند که آشنایی با آنها در دریافت مقصود هیک راهگشا خواهد بود. در این مقاله درصدد برآمده‌ایم به روش توصیفی - تحلیلی مهمترین مؤلفه‌هایی که فضای حاکم برای ظهور روی آورد کثرت‌گرایی دینی را رقم زده‌اند، تبیین نماییم. به عبارت بهتر می‌کوشیم عوامل و انگیزه‌ها را بکاویم. عوامل دینی و سیاسی زمینه‌ی طرح نظریه‌ی کثرت‌گرایی را در مغرب زمین فراهم ساخته است: کتاب مقدس، اصول اعتقادی مسیحیت، تعارض مسیحیت با علم، کلیسا و مسیحیت از مهم‌ترین عوامل دینی زمینه‌ساز این نظریه‌اند. فضایی با چنین زیرساخت‌هایی دینی «انحصار‌گرایی» مسیحیت را نمی‌تابید و جان هیک ناگزیر کثرت‌گرایی دینی را مطرح کرد. هیک علت نیاز به روی کرد کثرت‌گرایی را رفع اختلاف‌های دینی و هم‌نوایی با جهانی شدن

می‌داند. بنابراین ایده‌ی کثرت‌گرایی جان هیک به نحو وثیقی با بافت دینی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی مغرب زمین گره خورده است.

**کلید واژگان:** کثرت‌گرایی دینی؛ جان هیک؛ عوامل؛ انگیزه‌ها؛ کتاب مقدس؛ مسیحیت؛ کلیسا؛ اختلاف‌های دینی؛ جهانی شدن

## استدلالات وجودی خدا از دیدگاه کانت به عنوان یک فیلسوف غربی

مریم وحیدزاده

دانشکده الهیات و فلسفه، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، واحد تهران، ایران

vahidzadeh@yahoo.com

### چکیده:

از پیش از دوران افلاطون تاکنون، فلاسفه دلایلی برای اثبات وجود خداوند عرضه داشته‌اند، اما آنچه بیشتر مورد توجه بوده، به کارگیری براهین وجود خدا از طریق اصول اخلاقی است.

در بسیاری مقالات، یاد شده است که استدلال‌های خداشناسانه، نه تنها به نحو درونی و روانی برای تفکر جدید قانع کننده نیستند بلکه به طور گسترده بدون اعتبار منطقی لحاظ می‌شوند، متقابلاً در آثار کانت می‌توان به وضوح استدلال‌هایی با اعتبارات منطقی یافت که او خود به آنها استدلال وجودی می‌گوید، یعنی استدلالی که از مفهوم خدا آغاز می‌شود.

از منابع موجود اینگونه برداشت کردم که کانت کوشیده است با توجه به اصلی به نام "قانون اخلاقی"، وجود خداوند، نفس و جاودانگی را براساس نیاز انسان به تضمین کننده و ضامن ابدی و ازلی، اثبات کند. او با تمرکز بر صبغه‌های دینی خود نیز کوشیده تا جایگزینی برای عقل نظری ارائه دهد، زیرا: عقل نظری تنها به شناخت عوارض دست می‌یابد، اما عقل عملی متوجه حقایق است که به واسطه آن اموری را که به وجدان غیرحسی درمی‌آیند و مرتبط با ذوات هستند، می‌توان درک کرد.



پس از مطالعات دریافتم که عقل عملی بنیاد عقاید دینی و اخلاقی را محکم کرده و منشاء ایمان می‌شود، نه تشکیک.

در نهایت به این نتیجه دست یافتم که، هدف اصلی نظرات کانت در باب ایمان اخلاقی و رفتار دینی، رسیدن به سرحد خرد محض و قائل شدن تفاوت میان آنچه معلوم و معقول است، می‌باشد.

**کلید واژگان:** کانت، استدلال‌های وجودی خدا، ایمان، عقل عملی، قوانین اخلاقی.

## عقل و ایمان از منظر خواجه نصیرالدین طوسی مسلمان و سنت آگوستین مسیحی

زهره سادات هاشمی

دانشجوی فلسفه دین - دانشگاه پیام نور

### چکیده:

رابطه عقل و ایمان و سؤال از تقدّم و تأخّر رتبی یا شرفی هر یک نسبت به دیگری همواره برای فلاسفه و متکلمان، در طول تاریخ موضوع اصلی مناقشه بوده است. محاکمه سقراط، فیلسوف هفتاد ساله، به اتهام سست کردن ایمان مردمان و به خصوص دین جوانان و عدم اعتقاد به خدایان شکل گرفت. بعضی گفته‌اند نزاعی فی‌مابین عقل و دین نیست و به واقع این دو مراتب طولی یک حقیقت‌اند و با یکدیگر بیگانه و متباین نیستند. پیروان این نظر، معتقدند بین آنها اتصال و پیوستگی وجود دارد. عده‌ای نیز بین عقل و ایمان را در قالب فلسفه و دین دیده‌اند و بین این دو تضاد و تناقض قائل شده‌اند. مقاله به طور مشخص این موضوع را به روش مقایسه‌ای از دیدگاه آگوستین، به عنوان قدیس مسیحی قرن پنجم میلادی و خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف مسلمان قرن هفتم هجری، مورد بحث و مذاقه قرار می‌دهد.

کلید واژه: خواجه نصیرالدین طوسی، آگوستین، ایمان، عقل، فلسفه، دین

## جایگاه مفهوم خدا در الهیات اخلاقی کانت

حسین هوشنگی

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه امام صادق(ع)

[h.hooshangi@yahoo.com](mailto:h.hooshangi@yahoo.com)

الهیات از نظر کانت، معرفت نظام‌مند به خدا و اوصاف الهی است. او الهیات را در وهله نخست به وحیانی و عقلی و سپس الهیات عقلی را به متعالی (Transcendent)، طبیعی (natural) و اخلاقی (moral) تقسیم می‌کند. در الهیات متعالی با تکیه بر مفاهیم محض به شناخت خدا به مثابه مبدا، اول، علت ماسوا و واحد مطلق نائل می‌آییم. این الهیات مبتنی بر برهان وجودی (ontological argument) است. در الهیات طبیعی، خدا از طریق وجوه خاص عالم تجربه (غایت مندی و نظم) یا وجوه عام عالم (امکان، تحرک، حدوث و...) شناخته می‌شود. برهان طبیعی-الهیاتی (physico-theological) و جهان‌شناختی (cosmological) مبنای این الهیات را تشکیل می‌دهد. الهیات اخلاقی اما صرفاً بر اساس ملاحظات عملی و اخلاقی و بر مبنای برهان اخلاقی به خدا می‌پردازد و بدین قرار خدا را به عنوان ایده آلی اخلاقی و موجودی عادل و حکیم و مانند آن مورد شناسایی قرار می‌دهد. اگر حاصل الهیات متعالی، خدا به عنوان موجود اعلا و اول و حاصل الهیات طبیعی خدا به عنوان کاملترین و مستجمع جمیع صفات کمال (علم، قدرت، حیات، اراده) باشد، الهیات اخلاقی خدا را به عنوان خیر اعلا معرفی می‌کند. این مقاله درصدد است لوازم و

سرریز این تلقی از خداوند را در دین‌شناسی و جایگاه هر یک از ابعاد اعتقادی، شرعی و اخلاقی در دین و موضعگیری در برابر الحاد و دئیسم بررسی کند.

واژگان کلیدی: کانت، اخلاق، مناسک، الهیات اخلاقی، الحاد

## چالش پوزیتیویسم منطقی در مورد معناداری گزاره‌های دینی

عباس یزدانی

عضو هیئت علمی گروه فلسفه دین دانشگاه تهران

a.yazdani@ut.ac.ir

معناداری گزاره‌های دینی یکی از مباحث مهم فلسفه‌ی دین معاصر محسوب می‌شود. بدنبال شبهات هیوم (۱۷۶۶-۱۷۱۱) و کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) این تصور به وجود آمد که دعاوی مابعدالطبیعی بی معنا هستند. از این رهگذر بود که مقدمات بحث "معناداری گزاره‌ها" فراهم آمد؛ اولین فیلسوفی که صریحاً بحث معناداری را طرح کرد ویتگنشتاین (۱۹۵۱-۱۸۸۹) بود. تا قبل از او تصور عمومی این بود که جمله هنگامی معنادار است که دارای دو شرط باشد: الف) الفاظ و مفردات جمله دارای معنا باشند. ب) جمله از قواعد و دستور زبان صحیح برخوردار باشد. ویتگنشتاین نشان داد که برای معناداری این دو شرط کافی نیستند. به دنبال طرح بحث معناداری گزاره‌ها توسط ویتگنشتاین، پوزیتیویست‌های حلقه‌ی وین این بحث را پی گرفتند که منجر به نظریه‌ی اثبات‌پذیری (Verifiability) در معناداری گزاره‌ها شد. طبق اصل اثبات‌پذیری یا تحقیق‌پذیری تجربی که پوزیتیویسم منطقی مطرح کرد تنها گزاره‌هایی معنادار هستند که از راه تجربه‌ی حسی آزمون‌پذیر باشند و از داده‌های حسی به دست آمده باشند. مدافعان پوزیتیویسم منطقی بر این باور بودند که پیامد اصل اثبات‌پذیری این است که زبان شناختاری ما حالت تجربی امور را بیان می‌کند. بر این

اساس، تمام اظهارات مربوط به حقیقت خداوند بی معنا هستند. وقتی گفته شود "خدا وجود دارد" از نظر پوزیتیویسم منطقی، هیچ شواهد موجود تجربی این ادعا را تأیید نمی‌کند. و به نظر آنها، باورهای دینی حتی بیرون از حیطه‌ی صدق و کذب و بیرون از حیطه تحقیق‌پذیری تجربی‌اند، لذا بی معنا هستند، از نظر زبان شناختاری عبث و مهمل هستند. به همین منوال، باورهای مابعدالطبیعی نیز بی معنا قلمداد می‌شوند، نه صادق هستند و نه کاذب.

پرسش‌های اصلی این مقاله عبارتند از: آیا گزاره‌های دینی بی معنا هستند؟ معناداری به چه معناست؟ آیا گزاره‌های دینی قابل اثبات تجربی هستند؟ چه نقدهائی بر معیار پوزیتیویسم منطقی در مورد معناداری گزاره‌ها مطرح است؟ و پرسش‌هایی نظیر آنها موضوع بحث این مقاله خواهد بود.

در این نوشتار نشان داده خواهد شد که همه گزاره‌های دینی آزمون‌پذیر تجربی نیستند؛ بنابراین، آزمون‌پذیری تجربی را نمی‌توان به‌عنوان تنها معیار و ملاک معناداری پذیرفت. نه تنها در باب گزاره‌های دینی بلکه در باب علوم تجربی نیز گزاره‌های زیادی درباره موجودات غیرقابل مشاهده وجود دارند که نمی‌توان آنها را به‌طور مستقیم آزمود. بنابراین، مدعیات خداپاورانه را نباید در اثبات‌پذیری تجربی جستجو نمود. شواهد تجربی می‌توانند در داوری ما نسبت به مدعیات دینی ایفاء نقش کنند اما نمی‌توانند ملاک و معیار قاطع برای معناداری آنها باشند. در این نوشتار نشان داده خواهد شد که نظریه‌ی اثبات‌پذیری با انتقادهای جدی و غیرقابل حل مواجه است و قابل دفاع نمی‌باشد.

**واژگان کلیدی:** معناداری، گزاره‌های دینی، پوزیتیویسم منطقی، اثبات‌پذیری، آزمون‌پذیری تجربی.